

آذربایجان

بشینیچی دۆره (دوره پنجم) ۶۲ - نجی نمره (شماره ۶۲) ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان آبان ۱۳۸۸ ص ۱

اعلامیه فرقه دموکرات آذربایجان هموطنان عزیز و آذربایجانی های غیر تمند!

امسال از پیروزی نهضت 21 آذر ۶۴ سال میگذرد. در مدت کوتاه تاریخی در ایران و جهان حوادث بزرگی رخ داده است. نسل های جدیدی جای پدران را گرفته اند و راه روش آنان را ادامه داده و میدهند در این سالها رژیم منفور پهلویها را بر انداخته اند. در این بر اندازی مردم غیور آذربایجان بویژه مردم قهرمان تبریز نقش بسزائی ایفا نموده اند.

دولت جای گزین ۳۰ سال است در ایران حکومت می کند. اما هیچ تغییر مثبتی صورت نگرفته ملتها و اقلیت های قومی به حقوق ملی خود دست نیافته آنها از حق تحصیل بزبان ملی در مدارس محروم اند. حکومت مرکزی امکان نمیدهند مردم آذربایجان احیا کننده مشروطه در ایران از حق ساده خود گردانی بهره مند شوند. نیروی فعال در آذربایجان مجبورند به تهران و ایالات دیگر ایران کوچ کنند تا تکه نانی برای خود و فرزندان خود به دست آورند. آذربایجان از لحاظ موقعیت جغرافیائی و داشتن زمین حاصل خیز میتواند یکی از شکوفا ترین منطقه در ایران گردد. بر عکس به یکی از عقب مانده ترین استان تبدیل شده است. علاوه بر این تهران میکوشد فرهنگ ملی آذربایجان را به بوته فراموشی بسپارد بدین سبب است مطبوعات و نشریات بزبان مادری به پائین ترین سطح تنزل یافته است. مردم آذربایجان در صورت داشتن امکان میتواند فرهنگ و تمدن ملی خود را به عالی ترین سطح برساند. در چنین شرایطی است که آذربایجانی برای مطالبه حقوق ملی خود مبارزه کرده و می کند ۲۱ آذر ۱۳۲۴ نمومه بارز این مبارزه است.

فرقه دموکرات آذربایجان خواهان این حق در چارچوب ایران واحد در داخل سرحدات کنونی ایران بوده و اکنون نیز بر این باور است که ایران نباید تجزیه شود و چند پاره گردد. زیرا جهان کنونی به سمت یک پارچگی به جلو میرود و کشورهای کثیرالملله نیز با تأمین حقوق ملی هر کشور بزرگ و کوچک جزئی از جهان واحد در حال بهم پیوستگی قرار دارند.

آذر ماه ۱۳۸۸

۳ دسامبر ۲۰۰۹

أ- لاهرودی

در آستانه ۶۴ سال ۲۱ آذر

۲۱ آذر در تاریخ معاصر ایران جای ویژه دارد زیرا دست یابی به خواست مردم ایران بخصوص مردم آذربایجان هدف اصلی آنرا تشکیل میداد. مردم آمادگی کامل داشتند. تا در این راه مبارز کند. برای همین منظور تشکیل سازمان قوی و فراگیری ضرورت پیدا میکرد و در رأس مبارزه آزادی بخش قرار گیرد. برای تشکیل چنین سازمان شخصیتی لازم بود که شایستگی داشته باشد که بتواند از عهده این وظیفه خطیر بر آید. سید جعفر پیشه وری چنین شخصیتی بود که در رأس سازمان جدید قرار گرفت.

پیشه وری شخصیتی برخاسته از میان مردم.

پیشه وری در سالهای کودکی با خانواده خود به قفقاز مهاجرت نمود. خانواده او در شهر صنعتی باکو اقامت کرد. محیط شکل و محتوای زندگی پیشه وری را مشخص نمود. در اینجا تحصیل کرد و شغل روزنامه نگاری را برگزید. در این زمان بود که شاهد بی عدالتی ها شد با زندگی رقت بار کارگران نفت که اکثریت مطلق آنها ایرانی بودند آشنا شد. در چنین شرایطی بود که او راه خود و محتوای زندگی خود را معین نمود و بشکل پیگیرانه آنرا ادامه داد و تا آخر عمر به آن راه صادق ماند. پیشه وری با تحلیل اوضاع آن زمان با تماس با روشنفکران ایران در مهاجرت و مشاهده وضع اسفبار کارگران ایران به این نتیجه رسید که بدون تشکیل و بسیج مردم زحمتکش نمیتوان به ستم صاحبان شرکتهای نفت پایان داد. پیشه وری با نوشتن مقالات ستمگری را افشا میکرد. راه برون رفت را ارائه میداد. او درک میکرد. بدون بسیج کارگران نمی توان حق آنها را گرفت. بدین سبب خود عضویت حزب عدالت را پذیرفت و در صفوف آن به مبارزه پرداخت حزب عدالت با حزب سوسیال دموکرات روسیه همکاری میکرد و به ایدیولوژی آن اعتقاد داشت.

پیشه وری بد رستی می فهمید که بدون مبارزه متشکل طبقه کارگر نمی توان وضع موجود را تغییر داد و ستمدیدگان را از جور ستمگران نجات داد. تصادفی نیست که در زندگی سیاسی بشکل فعال شرکت کرد و در دستگاه رهبری حزب جا گرفت. او در کنگره حزب عدالت شرکت کرد و یکی از رهبران آن برگزیده شد. حزب عدالت تغییر نام کرد و نام کمونیست (عدالت) را برگزید. از آن تاریخ کادرهای حزب از جمله پیشه وری به رشت منتقل شدند. در انقلاب جنگل شرکت کردند و با میرزا کوچک خان رهبر انقلاب جنگل همکاری نمودند. پیشه وری به وزارت در حکومت جنگل منسوب شد.

بعد از شکست انقلاب جنگل پیشه وری نیز به مهاجرت بازگشت مدتی بعد به ایران رفت رهبری حزب کمونیست را به عهده گرفت. مقالات روزنامه حقیقت را به رشته تحریر در آورد. در سال ۱۳۰۹ دستگیر شد. دهسال در زندان و تبعید بسر برد. پیشه وری در باز جوئی ها خود را شخصیت مستقل

معرفی کرد. بعد از آزاد شدن روزنامه آژیر را منتشر نمود تا اینکه به آذربایجان رفت با همکاران خود فرقه دموکرات آذربایجان را تشکیل داد.

پیشه وری مؤسس و رهبر فرقه دموکرات آذربایجان

پیشه وری بعنوان سیاستمدار مجرب در شرایط بغرنج آن زمان لحظه را تشخیص داد و به این نتیجه رسید که باید اقدام عاجل انجام داد و نگذاشت بعد از خروج متفقین ایران به قهقرا بر گردد. دیکتاتوری سیاه دوران رضا شاه از نو بر کشور مسلط شود. او در این مورد می گفت ایران سر دوراهه قرار دارد. یا آزادی و یا دیکتاتوری. پیشه وری خوب میدانست که در ایران ملوک الطوائفی حکمرانی می کند. جنوب در دست عشایر مرکز نیز در دست حکومت ارتجاعی است. حکومت نیز در دست فئودالها و اشراف متمرکز است. تنها آذربایجان است که مردم آمادگی دارد. بخاطر حراست آزادی قیام کند وانگهی آذربایجان مهد آزادی است. قهر مانان آذربایجان تحت رهبری ستارخان نگذاشت مشروطه از بین برود. استبداد سلطنتی جای آنرا بگیرد. بنابر این باید مردم آذربایجان را بسیج نمود. و نیروی مقاومت تشکیل داد و به دفاع از آزادی به پاخواست آذربایجان را به دژ ضد استبداد مبدل نمود. برای همین منظور باید اول یکسازمان سیاسی و ملی را بوجود آورد که در آن همه اقشار و طبقات شرکت کند و با آگاهی علیه ارتجاع و استبداد مبارزه را از آذربایجان شروع کرد. برای همین منظور بود که پیشه وری بیانیه ۱۲ شهریور را با امضای عده از معتمدین تبریز منتشر نمود این بیانیه به زبان آذربایجانی و فارسی نوشته شده بود انعکاس وسیع در ایران و جهان پیدا کرد آزادی خواهان آنرا با سرور و شادی استقبال نمودند. دستگاه حکومتی و فئودالها تبلیغات گسترده علیه این بیانیه راه انداختند مؤلفین بیانیه را در تجربه طلبی متهم نمودند. از حکومت تهران خواستند. نگذارد «متجاسرین» آذربایجان را از ایران جدا کنند. سرکوب آذربایجان در آن لحظه بدو علت غیر ممکن بود. ۱- آمادگی و اراده محکم خلق آذربایجان. ۲- حضور نیروهای شوروی در آذربایجان. این عامل یعنی عامل داخلی و عامل خارجی پشت سر آذربایجان بود.

فرقه دموکرات آذربایجان بلاواسطه پس از نشر بیانیه اقدام عملی را شروع کرد. ۱۴ شهریور اولین شماره روزنامه آذربایجان ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان منتشر شد. در این سر مقاله از پیشه وری تحت عنوان فرقه میزایشه باشلادی چاپ شد. بدین ترتیب پایه و اساس فرقه دموکرات آذربایجان ریخته شد در کمترین مدت سازمانهای آن تشکیل گردید.

در آن زمان سازمان ایالتی حزب توده ایران ۶۰ هزار عضو داشت. الحاق آن به فرقه دموکرات ضرورت داشت. برای همین منظور کنفرانس مشورتی در تبریز تشکیل شد. نمایندگان سراسری آذربایجان در آن شرکت کردند. بعد از بحث و مذاکره کنفرانس به اتفاق آراء الحاق خود را به فرقه دموکرات آذربایجان اعلام نمود کنفرانس در شهریور ماه تشکیل گردید. بدین ترتیب اعضا پخته و آب دیده حزب توده ایران صفوف فرقه دموکرات آذربایجان را منسجم تر کرد.

کنگره فرقه دموکرات آذربایجان

کنگره فرقه دموکرات آذربایجان در مهر ماه (اکتبر) ۱۳۲۴ در تبریز تشکیل شد. از همه سازمانها نمایندگان منتخب در آن شرکت کردند. پیشه وری بعنوان صدر فرقه جلسه را افتتاح نمود. در نطق افتتاحیه وضع آنزمان ایران و آذربایجان را تجزیه و تحلیل نمود، برنامه کار و فعالیت فرقه را به اطلاع نمایندگان رساند. و روی این مسئله اصرار ورزید و. در میان نمایندگان اشخاص معتبر و سرشناس نیز وجود داشت. روی ملی بودن فرقه دموکرات تاکید نمود. پس از بحث و گفتگو طرح برنامه و اساسنامه مورد تأیید قرار گرفت و تصویب گردید.

از این تاریخ به بعد تدارک برای کار عملی شروع شد و سازمانهای فرقه برای همین منظور فعالیت خود را دو چندان نمود، میگردند. بدین وسیله شمار اعضا چندین برابر افزایش می یافت. آذربایجان برای اجرای عملیات جدی آمادگی کامل داشت. در آبان ماه (نوامبر) ۱۳۲۴ کنگره ملی مرکب از معتمدین محلی و کادرهای برجسته فرقه در تبریز تشکیل گردید. اسناد و مدارک کنگره نشان میدهد که نه تنها مردم زحمتکش کارگر و دهقان، روشنفکر بلکه نمایندگان قشر فوقانی جامعه آذربایجان یعنی مالکین و صاحبان سرمایه نیز خواستار تحول عمیق هستند.

این تحول نه تنها در عرصه سیاسی بلکه در عرصه اقتصادی عملی نیز صورت می گرفت گیرد کنگره راه این تحول را مشخص نمود و هیئت رئیسه مرکب از ۳۹ نفر انتخاب کرد. این هیئت رئیسه با در دست گرفتن اداره امور نشان داد که مردم آذربایجان بعنوان سازندگان کشور آماده است کام مهمی بر دارد و به خودگردانی آذربایجان نایل آید.

بدین سبب بود که کنگره به مقامات دولتی ایران و به سازمان ملل متحده اسنادی را فرستاد که در آن گفته میشود: آذربایجان خواهان خود مختاری در چارچوب مرزهای ایران است. این حق طبیعی مردم آذربایجان است که امور داخلی خود را خود اداره کند.

کنگره تصمیم گرفت در آذربایجان مجلس ملی تشکیل شود. بدین منظور انتخاب نمایندگان ضرورت پیدا کرد. برای اجرای این تصمیم حوزه های انتخابات در سراسر آذربایجان تشکیل گردید. هیئت مرکزی انتخابات برای بر گذاری انتخابات شرایط لازم را فراهم نمود، انتخابات در عرض چند روز با موفقیت و بشکل دموکراتیک انجام گرفت. قابل توجه است که نه تنها در تاریخ ایران بلکه در تاریخ کشورهای خاورمیانه زنان در انتخابات شرکت نمودند، یعنی زن آذربایجانی با حقوق برابر در امور سیاسی شرکت کرد. مجلس ملی تشکیل شد. هیئت رئیسه مجلس را انتخاب کرد. حاجی علی شبستری رئیس هیئت رئیسه، میررحیم و لائی دبیر هیئت رئیسه انتخاب شدند. پیشه وری مأموریت یافت حکومت ملی آذربایجان را تشکیل دهد. برنامه حکومت را به مجلس ملی ارائه دهد و برای حکومت ملی

را نیز به مجلس ملی معرفی نماید. مجلس ملی به وزرای پیشنهادی رأی اعتماد داد. بدین وسیله دولت شروع بکار کرد.

فرقه دموکرات آذربایجان برای رسیدن به این هدف راه پریچ و خمی را طی کرد. بدین معنی که دسته های فدائی بسیج شدند. اسلحه در دست گرفتند سراسر آذربایجان را از ژاندارمها پاک نمودند. پادگانهای ارتش در همه شهرهای آذربایجان بدون مقاومت تسلیم شدند. پادگان تبریز بعد از مذاکره با پیشه وری سلاحها را زمین گذاشت. بدین ترتیب شهر تبریز در دست فدائیان قرار گرفت. در این میان پادگان رضائیه (ارومیه) مقاومت نمود. در جریان زدوخور هر دو طرف کشته و زخمی بجای گذاشت آذربایجان آزاد شد و حکومت ملی فعالیت خود را آغاز نمود.

اصلاحات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی

نهضت ۲۱ آذر تنها تحول سیاسی نبود. این نهضت را میتوان انقلابی در همه سطوح سیاسی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی نامید.

ساختار حکومت خود مختار به انجمن های محلی و شهری متکی بود. انجمن ها امور محلی و شهری را اداره میکرد به فعالیت دوایر دولتی نظارت می نمود. انجمن ها از جانب اهالی شهر و روستا انتخاب میشدند بنابراین ماهیتاً سازمان مردمی محسوب می شدند. نهضت ۲۱ آذر به هويت زن احترام قائل بود. شرکت زنان در انتخابات داشتن حق انتخاب کردن و انتخاب شدن نشان می داد که حکومت ملی مترقی ترین حکومت در منطقه بود.

حکومت ملی لوایحی را به مجلس تقدیم می نمود. این لوایح شکل قانون به خود میگرفت. قانون اصلاحات ارضی در روستاها، قانون سربازگیری قانون به رسمیت شناخته شدن زبان مادری نشر کتاب به زبان مادری، تدریس در مدارس و در کل مؤسسات آموزش بزبان مادری از آن جمله قوانین بود که مجلس ملی آنها را تصویب میکرد. ایجاد فلارمونی، دایر کردن تأثر ملی، تأسیس دانشگاه در تبریز از آن جمله اصلاحات اجتماعی بود که در تاریخ آذربایجان سابقه نداشت.

نهضت ۲۱ آذر و یا انقلاب ملی را نمیتوان با انقلابهای قبلی و بعدی در ایران مقایسه کرد. این انقلاب ها جنبه سیاسی داشت. پشت سر آنها افرادی از حکومت می رفتند و افراد دیگر جای آنها را میگرفتند. در این انقلاب ها از اصلاحات اجتماعی و اقتصادی فرهنگی خبری نمود. بنابراین نهضت ۲۱ آذر در تاریخ ایران با خط زرین ثبت شده است.

اطلاعه

ایرانلی مهاجرلر جمعیتی نین ۴- نجو کنفرانسی ۲۰۰۹ - نجو الین نویابر آیین ۷- ده تشکیل اولدو. جمعیتین صدری ۲ کنفرانس آراسیندا گورولن ایشلر بارده معلومات وئردی. معلومات اطرافیندا مذاکره آپاریلدی. کنفرانس جمعیتین شوراسینی سجدی. کنفرانسین سونوندا قطعنامه قبول اندیلدی. قطعنامه نین متنی آذربایجان روزنامه سینده درج اولونور.

قطعنامه

ایرانلی مهاجرلر جمعیتی نین ۴- نجو کنفرانسی جمعیتین صدری امیرعلی لاهرودینین ایکی کنفرانس آراسیندا گورولن ایشلر باره ده معلوماتینی انشیتدی. کنفرانس معلومات اطرافیندا مذاکره لری و تکلیف لری نظره آراق قید اندیر. بو مدت ایچریسینده جمعیتین و آذربایجان دموکرات فرقه سینین اینترنت سایتی نین ۲۰۰۴ ایلدن- ۲۰۰۹- جو ایله قدر فعالیتی گنیش و اطرافلی اولموشدور. یوزلرله مقاله سایتا یرلشدیریلیمیشدیر. بونونلا آذربایجان دموکرات فرقه سینین مهاجرته گوردویو ایشلر دنیا مقیاسیندا نوز عکسینی تاپمیشدیر. ایکی کنفرانس آراسیندا «آذربایجان» قزتی نشر اولماغا باشلادی، همین قزت اینترنت واسطه سیله ایله یاییلیر. بوندان باشقا «قلب یاراسی» آدیندا کیچیک حجملی کتاب چاپ اندیلیمیشدیر، کتابدا قاراباغ محاربه سینده اشتراک ائدن و شهید اولان مهاجر نولادلارینا حصر اندیلیمیشدیر. گنرال غلام یحیی دانشیانین «خاطره لری»، سید جفر پیشه ورینین «خاطره لری» کتابی، آذربایجان ملی مجلسینین «قانون و قرارلاری» کتابی، امیرعلی لاهرودینین «خاطره» کتابی، همین دورده نشر اولموش و گنیش مقیاسدا یاییلمیشدیر. عینی زماندا جمعیته مراجعت ائدن شخص لره آراییش وئریمیش، یرلی اداره لره مکتوب یازیلیمیشدیر. محلی تشکیلاتلار ایله یازیلی علاقه ساخلانیمیشدیر. «۱۲شهریور»، فرقه نین یارانما گونو، «۲۱ آذر» حرکاتینین ایل دونومو، نوروں بایرامی مناسیبتی ایله گوروشلر کچیریلیمیشدیر. بونا باخمایاراق خارجی کشفیات آذربایجان دموکرات فرقه سی و ایرانلی مهاجرلر جمعیتی ایله ماراقلانیر بو و یا باشقا شکیلده همین تشکیلاتلار باره ده معلومات توپلاپیر. همین کشفیات اورقانلاری، فرقه نین و جمعیتین ایچریسینه نوز اگنتوراسینی گوندرمک ایچون مختلف متودلارا ال آتیر. همین اگنتلری، تانیمیش، اینالیلمیش و جمعیتله علاقه ده اولموش آدمالار واسطه سیله، تشکیلاتین ان حساس قانادیندا یرلشدیریلر. بوتون بونلارا باخمایاراق نوز دانیشیغینا، نظارت انتمه یی باچارمایان آدمالار، خارجی کشفیات ایچون معلومات منبعینه چوریلیر.

اونلار ایرانلی مهاجرلر جمعیتی و آذربایجان دموکرات فرقه سینی بو و یا دیگر شکیلده اعتباردان سالماغا چالیشیرلار، فرقه نین صدرینه بهتان یاغدییرلار. بو تیپ آدمالار فرقه نی پارچالاماق تشبوسوندن بنله ال چکمیرلر، ایکی نمره لی فرقه سایی آچانلار، فرقه عضولری و فرقه طرفدارلاری آدیندان بیانات یایانلار، «یاشا آذربایجان» آدیندا قزت چیخاریرلار شعورلو اولماسادا، اوبیکتیو اولاراق، حیله گر دشمنین تورونا دوشورلر.

کنفرانس گورولن ایشلری کافی قیمتلندییر، ینی سچیلیمیش شورایا و اجرا کمیته سینه تاپشیریر.

۱ جمعیتین مطبوعات بولمه سینه،

أ) قزنت نشرینه،

ب) اینترنت فعالیتینه،

ت) امکان اولدوقدا کتاب نشرینه دقت آرتیریلین.

۲) مهاجرلر جمعیتین علاقه بولمه سینه تاپشیریلین.

أ) مهاجر و اونلارین یاشلی نولادلارینین سیاحیسینی ترتیب انتمه یه دقت آرتیریلین،

ب) مهاجرلر جمعیتین سیرالارینین آرتماسی باره ده تدبیر گورولسون.

ت) مهاجرلرین فعاللاشماسی ایچون عملی تدبیرلر پلانی حاضرلانسین اجتماعی ایشه ینی آدمالار جلب آندیلین.

ایرانلی مهاجرلر جمعیتین ۴ کنفرانسی

۷ نوپابر ۲۰۰۹

روپاروئی همچنان ادامه دارد.

حوادثی که در سیزدهم آبان در تهران و در شهرهای دیگر ایران رخ داد گویای این واقعیت است که روپاروئی در جامعه به شدت ادامه دارد ۱۳ آبان روز اشغال سفارت آمریکا از طرف دانشجویان خط امام است مردم ایران بویژه اهالی تهرانی هر سال ۱۳ آبان را با تشکیل متینگ در جلوی سفارت خانه آمریکا بر گزار میکنند.

این روز «تاریخی» امسال در شرایط ویژه بر گزار گردید. بطور کلی امسال سالی است که دهمین رئیس جمهوری ایران انتخاب شد. دو رقیب اصلاح طلب و اصولگرا در انتخابات شرکت کردند. در ظاهر امر نامزد اصولگرا اکثریت رأی را بدست آورد و پیروی خود را اعلام نمود. نامزد اصلاح طلب کمتر از رقیب اصولگرای خود رأی آورد. اما به شکست خود اعتراف نکرد مدعی شد که نامزد اصولگرا با بکار گرفتن تقب اکثریت آرا را بنام خود ثبت کرده است.

هواداران نامزد اصلاح طلب به خیابانها آمدند با شعار مرگ بر دیکتاتور راه پیمائی کردند. پلیس وارد عمل شد در عرض چند روز دهها زخمی و کشته بجای ماند و عده زیادی دستگیر و زندانی شدند.

۱۳ آبان مخالفین رئیس جمهوری اصولگرا با استفاده از فرصت دوباره به کوچه و خیابانها ریختند و بر علیه نتایج انتخابات شعار دارند. این بار نیز با پلیس روبرو شدند در میان تظاهرکنندگان عده زیادی دستگیر شدند. «غانله» بدین طریق پایان یافت یعنی تظاهرات خیابانی «به سر رسید» حالا سکوت برقرار است اما این سکوت به آتش زیر خاکستر شباهت دارد. زیرا رویارویی در جامعه ریشه عمیق دارد و هر زمان باد نارضائی می وزد خاکستر را کنار می زند. آتش اعتراض شعله ور می شود. حکومت کنندگان در برابر حکومت شونندگان قرار میگیرند. این صحنه بطور مداوم بشکل ادواری تکرار شده تا رسیدن به هدف غائی تکرار خواهد شد. تظاهرات ۱۳ آبان نمونه گویای این واقعیت است.

۴۰ میلیون نفر زیر خط فقر

روسیه از لحاظ مساحت ارضی بزرگترین کشور جهان است. اراضی این کشور یک ششم خشکی کره زمین را تشکیل میدهد. روسیه در عین حال ۲۵٪ منابع طبیعی (آب، جنگل، فلزات نفت و گاز) در جهان است. اولین بار در این کشور انقلاب مردمی پیروز شد. سیستم حکومتی متکی بر عدالت اجتماعی سرکار آمد. روسیه در عرض ۷۰ سال از لحاظ اقتصادی و نظامی به دومین کشور جهان تبدیل گردید. یک تنه در برابر قدرتمندترین دولت جهان (آلمان هیتلری) ایستاد و آنرا شکست داد موجودیت روسیه قدرتمند زمینه را برای برقراری موازنت در جهان را فراهم آورد.

تاریخ ورق خورد روسیه قرن ۲۰ از میان رفت. روسیه قرن ۲۱ جای آنرا گرفت. عظمت و قدرت آن نابود گردید. مؤسسات صنعتی آن دچار ورشکستگی گردید. کارگران و کارکنان این مؤسسات به اردوگاه بیکاران پیوستند بدین طریق فقر گریبان گیر همگان شد طبق آمار رسمی تعداد فقیران در مقایسه با سال قبل ۶ میلیون نفر افزایش یافت امروز جمع کل فقیران (زیر خط فقر) ۲۴/۵ میلیون است این رقم ۱۷/۴٪ اهالی روسیه را تشکیل میدهد. در حال حاضر در آمد ماهانه حد اقل هر فرد مشغول ۵۰۸۲ ربل است. در چنین شرایطی با در نظر گرفتن افزایش قیمت کالاهای ضروری و خدمات بهداشتی ۶/۷ هزار ربل حتی ۱۰ هزار ربل نیز حداقل هزینه زندگی را تأمین نمی کند. با محاسبه انستیتوی اقتصاد بین المللی تعداد افراد فقیر (زیر خط فقر) ۴۰ میلیون نفر است.

بحران اقتصادی سراسر جهان را فرا گرفته است. این بحران اقتصاد و سیستم مالی همه کشورها را فرا گرفته است. بزرگترین کشورهای صنعتی نتوانسته اند از این بحران کنار بمانند. بحران مالی از ورشکست شدن بانکها در آمریکا شروع شد و در پی مؤسسات صنعتی دچار بحران شد. این بحران در

روسیه بیشتر از کشورهای دیگر است. دولت ذخایر مالی خود را برای نجات بانکهای ور شکست شده بکار گرفت. اما نتوانست به مؤسسات صنعتی کمک برساند. حالا وضع بدتر میشود. شهرک های صنعتی بسته میشود. کارگران و ساکنین این شهرک ها مجبور میشوند محل زندگی خود را ترک کند. این کار زمانی آغاز میشود که در جاهای دیگر نیز کار برای کارگران پیدا نمی شود. زمانی روسیه با بحران دست و پنجه نرم می کند که روسیه به یک کشور صادر کننده مواد خام تبدیل شده است. مردم عادی نیز هزینه این بی بند و باری را می پردازند.

نگاهی عمیق تر به جنبش پس از انتخابات

۵ ماه از انتخابات دور دهم ریاست جمهوری میگذرد، لکن جنبش اعتراضی پس از انتخابات همچنان با فر از و نشیب حضور خود را نشان میدهد. در این رابطه تحلیل گران بین المللی، مفسران، کارشناسان و ایران شناسان تحلیل گر این موضوع را از ابعاد و جنبه های مختلف به نقد کشیده و مورد بررسی قرار میدهند!

جنبش اعتراضی مردم ایران به حاکمیت بر آمده از انقلاب، از همان فردای پیروزی انقلاب و عدول رهبری غاصب از آماجها و آرمانهای انقلاب ملی و دموکراتیک آغاز و در طی این سال ها روند فزاینده ای داشته است. سرکوب خشن احراب و سازمانهای سیاسی و شخصیت های ملی جنبش های دانشجویی، زنان و کارگران شکل افسار گسیخته و پر دامندای داشته و هنوز هم ادامه دارد.

جنبش اصلاح طلبی کنونی که رهبران آن بیشتر از افراد خودی و نزدیک به حاکمیت هستند، در پی اختلاف بر سر اداره امور با جناح حاکم دچار اختلافاتی شده و جنبش اعتراضی را بوجود آورده اند که با طرح شعارهای عام و نا مفهوم، آنهم بدون شکستن ساختار موجود، در پی ایجاد تغییرات «ریشه ای» در حاکمیت هستند. جنبش کنونی که نطفه آن در انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و پس از حذف دکتر معین و شکست هاشمی رفسنجانی و مهدی کروبی در مقابل محمود احمدی نژاد، بسته شد نیز با همین اهداف پا به میدان مبارزه گذاشت و کوشید در دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری با تکیه بر نیروی محر که خود (اقشار مرفه و نخبه گان ناراضی در حاشیه حکومت و اقشار بینابینی) با بدست آوردن پیروزی به اصلاحات مورد نظر خود جامه عملی ببوشانند. آنها تصور نمیکردند که در پی این اقدام آنها نیروی عظیم و لایزال ناراضیان از حاکمیت که مترصد فرصتی برای اعلام نارضایتی از کل نظام و حاکمیت بودند یا در این فضا به میدان خواهند آمد و یا یک حرکت هر دو طرف در گیر را (اصول گرایان و اصلاح طلبان) مات و مبهوت خواهند کرد. رهبران جنبش به استناد رفتار و گفتارشان هرگز ساختارشکن و ضد نظام نیستند، در حالیکه بخش بزرگی از شرکت کنندگان در جنبش کنونی عملا ساختار شکن و خواهان ایجاد تحولات عمیق و رادیکال و در پی جدایی دین از سیاست و حکومتی متکی

به دموکراسی لائیک هستند! و آنفاقاً تضاد اساسی نیز همین جانشی میشود و روز به روز بیشتر می شود.

برخی از تحلیل گران با عمده کردن شکاف کنونی بین جناحهای حاکمیت زمینه را برای ایجاد تحولات بنیادین و رشد جنبش در کشور بسیار مساعد ارزیابی می کنند. حال آنکه نباید فراموش کرد که شکاف در بین جناحهای حاکمیت از همان روزهای آغازین حکومت وجود داشته و حتی گاه بسیار عمیق بوده!

سیر حوادث پس از بهمن سال ۱۳۵۷ بیانگر این حقیقت است که دلخوش ساختن به شکاف بین جناحهای حاکمیت گاه دقیق نبوده و عوارض ناخوشانیدی در پی داشته. برای اثبات این نظر می توان به حوادث سی ساله اخیر نگاه کرد و به سنوالاتی از قبیل اینکه، پایه و اساس این اختلافات ریشه در چه داشته است؟ آیا این شکاف و اختلاف جنبه مذهبی ایدئولوژیکی و جهان بینانه ایی داشته و یا نه تنها سلیقه ای بوده؟ آیا این شکافها در جهت تامین منافع مردم و کشور بوده و یا در راستای تامین منافع گروهی و جناحی و اداره امور بوده؟ و نهایت اینکه این شکاف و اختلافات در پی جدایی دین از سیاست و حاکمیت بوده و یا نه روایت دیگری از حاکمیت دین بوده است و...؟ پیدا کرد!

برای یافتن پاسخ های مناسب به این سنوالات و پیدا کردن ریشه اختلافات، نظری گذرا به عملکرد ۳۰ ساله دولتهای گوناگون حاکمیت انداخته میشود تا با کمک فاکتهای غیر قابل انکار به پاسخ یابی این سنوالات کمک شود.

وقتی که آیت الله خمینی با گزینش مهدی بازرگان (۱۳۵۸ - ۱۳۵۷) که فردی بسیار مسلمان و مومن بود به نخست وزیری، اولین دولت اسلامی را پایه گذاری کرد و (دولت گذار) و دولت موقت کار خود را آغاز کرد. اختلافات آغاز شد، بازرگان خود میگفت «مرحوم طالقانی توصیه کرده بود که نخست وزیری را نپذیرم، و فرموده بود. «این آقایان وفا و صفا نخواهند داشت.» خیلی زود این وفا و صفا خود نشان داد و کریم سخبابی، کاظم سامی حسن تریه علی شریعتمداری، غلامحسین شکوهی، اسدالله مبشری، عباس امیر انتظام، ولی الله قرنی، احمد مدنی و تقی ریاحی از کابینه خارج شدند، امیر انتظام به زندان افتاد و بازرگان تالاحظه مرگ مورد تحقیر قرار گرفت و دولت او بمثابه دولت لیبرال اولین دولت اصلاح طلبان از قدرت دور شد یعنی جنگ بین لیبرالها و محافظه کاران یعنی اصلاح طلبان نسل اول و اصول گرایان نسل اول از همین جا آغاز شد! این جنگ و ستیز تا به امروز جریان داشته و دارد. میر حسین موسوی (۱۳۶۸ یا ۱۳۶۰) در یک جو متشنج و پر از ترور و انفجار آغاز بکار کرد. رجایی و با هنر در حادثه انفجار کشته شدند و دولت آنها قبل از اینکه اقدامی بکند ناکام ماند! کابینه میر حسین موسوی که دولتی پر از رفت آمد با چهره های بسیار شناخته شده بود. پیوسته در حال بحث و جدل بود افرادی چون عسگر اولادی، احمد تو کلی، پرورش، ناطق نوری، ولایتی و... از یکطرف و نمازی و... از طرف دیگر پیوسته با هم در گیر بودند. در آبان ماه سال ۱۳۶۰ سید محمد خاتمی وزیر

فرهنگ و هنر و محسن رفیق دوست وزیر سپاه شد. تیم اقتصادی کابینه میرحسین موسوی یعنی طیف معتقد به اقتصاد بازار و ترویج بخش خصوصی که در حزب جمهوری اسلامی و بویژه جامعه روحانیت مبارز و جمعیت مؤتلفه اسلامی جمع شده بودند. عملاً یک نیروی قوی را بوجود آورده بودند. عملکرد عسگر اولادی در این کابینه را هرگز نباید فراموش کرد. در طی ۸ سال نخست وزیری موسوی و ریاست جمهوری آیت الله خامن‌آیی، در نتیجه همین کش قوسها، پرورش، غفوری فرد عسگر اولادی، بقوی، احمد توکلی، ناطق توری، معادیخواه، محمد سلامتی، محمد تقی باکلی - منافی، محمود روحانی اصفری، سلیمی - نژادحسینیان، هاشمی، موسویان - شهاب کنابادی و نمازی خارج شدند. البته در برکناری احمد توکلی و... مبارزه کارگران و بویژه حزب توده ایران نقش مهمی بازی کرد، در کابینه میرحسین موسوی «چپ‌ها» و راست‌های حاکمیت یعنی رقبا ابتدا با رفاقت در کنار هم عمل کرده و بعد با پیدایش اختلافات و اساساً پایه و اساس «جناح چپ» و راست حاکمیت را بوجود آوردند!

عسگر اولادی بارها به خمینی گله کرد و از فشار به بخش خصوصی یاد کرد آقای موسوی نیز از فشار به بخش خصوصی ناراضی بود چنانکه معادیخواه می‌گوید «در دولت روحیه دولتی کردن امور اقتصادی رواج دارد و آقای میرحسین موسوی مقاومت نشان داد، جو جلسه با ایشان موافق نبود.» میرحسین موسوی مانند چندتن از وزرای راست گرا چند بار قصد استعفا داشت که با مخالفت‌ها شمی رفسنجانی و شخص خمینی روبرو شد.

پس از به اتمام رسیدن دو دوره ریاست جمهوری خامنه‌ای و نخست وزیری میرحسین موسوی که به دولت دفاع مقدس معروف است این بار نوبت به رفسنجانی و حذف پست نخست وزیری و تمرکز قوه مجریه در دست رئیس جمهور رسید و هاشمی رفسنجانی (۱۳۷۸ تا ۱۳۶۸) بمدت دهسال سیاست توسعه اقتصادی و تعدیل اقتصادی یعنی اجرای دستور العمل‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول پرداخت‌ها شمی با ابقاء برخی از وزیران دولت موسوی کوشید از تجارب آنها استفاده کند. اما عملکرد اقتصادی دولت رفسنجانی که مورد حمایت تکنوکراتها و نوکیسه‌های جدید ایرانی بود از سوی مردم محروم مورد رضایت قرار نگرفت و در دامن دولت رفسنجانی نسل دوم اصلاح طلبی شکل گرفت.

سید محمد خاتمی، عبدالله نوری، مصطفی معینی، ایرج فاضل، عبدالحسین و حاجی، محمد سعیدی کیا محمد حسین عادل، روغنی رنجانی محسن نوربخش - کازرونی از کابینه خارج شدند و بحث و جدل در کابینه رفسنجانی بالا گرفت بعدها کتاب نوشته شده توسط عبدالله نوری بنام جام شوکران و مطرح کردن هاشمی به عالیجناب سرخپوش و دیگران به عالیجنابان خاکستری و از سوی اکبر گنجی و بیانات جاریان و... نشان داد که مسئله در کجاریشه دارد.

بحث در کابینه رفسنجانی از وزرات فرهنگ و هنر آغاز و تاوزرات اقتصاد و سازمان برنامه و بودجه گسترش پیدا کرد. در همین دوره بود که ابهت هاشمی بمثابه به مرد شماره ۲ شکسته شد و زمینه

برای تهاجم به وی و فرزندانش فراهم شد هنوز صدای فریاد اکبر شاه و مرگ بر... تظاهر کنندگان در فضای آسمان تهران جولان میکند.

پس از رفسنجانی سید محمد خاتمی سوار امواج نارضایتی مردم در برابر حاکمیت شد، و اصلاح طلبان دومین دولت خود را تشکیل دادند. ۲۰ میلیون نفر از مردم ایران در دادن پاسخ قطعی و نه تاریخی خود به ناطق نوری نماینده ولی فقیه، عملاً به خاتمی که مدعی اصلاحات بود ماموریت دادند تا گفته های نا مفهوم خود مانند مردم سالاری دینی را عملی سازد. لاکن خاتمی دو دوره (۱۳۸۴ تا ۱۳۷۶) نتوانست به اقدامات ریشه ای و رادیکال دست بزند و با طرح شعار توسعه سیاسی، عرصه اقتصادی کشور را در اختیار نوکیسه کان و تکنوکراتها قرار داد. فضای اقتصادی کشور به ضرر مردم محروم و ستم کش تغییر کرد. و زمینه را برای شعارهای پوپولیستی احمدی نژاد فراهم آورد. اگر چه نباید فراموش کرد که تهاجم به اردی قدرت گرایان مطلق طلب نیز صورت گرفت و بابه میان آمدن قتل های زنجیره ای پای افرادی چون فلاحیان و هاشمی رفسنجانی و... هم بمیان کشیده شد. اما دامنه اختلافات در کابینه خاتمی نیز در جریان بود. عبدالله رمضان زاده سخنگوی دولت خاتمی می گوید «این محمد ستاری فرو طهماسب مظاهری نبودند که با هم اختلاف داشتند، بلکه وزیر اقتصاد و دارایی و رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی در ساختار اقتصادی ایران باهم چالش داشتند.» برنامه اقتصادی آقای خاتمی اساساً راست روانه و در همان جهت برنامه های هاشمی رفسنجانی بود که از سوی بانک جهانی و صندوق بین المللی توصیه میشد. بعبارت دیگر در طی سالهای پس از پیروزی انقلاب بخر یک دوره بسیار کوتاه پیوسته اقتصاد ایران در جهت راست روانه و زودن هر چه بیشتر نقش دولت و تحکیم مبانی سرمایه داری در جریان بوده و اختلافات سلیقه ای، دینی و فقهی و... بیشتر پوششی ظاهری داشته است. و نهایت در این گیرودار است که احمدی نژاد از راه میرسد. (... تا ۱۳۸۴) و با شعارهای پوپولیستی و فریب مردم محروم و ستم دیده مونق به ربودن آرای بخش زیادی از اهالی کشور میشود. پول نفت را بر سر سفره ها بیآورد.

تنش و اختلافات در داخل کابینه احمدی نژاد نیز هر گز فروکش نکرد بطوریکه محمود خورشیدی وزیری همامانه، طهماسبی، محمد کاظم اردکانی، فرهاد رهبر، ابراهیم شیبانی- داود دانش جفری پرویز کاظمی زریبافان، پور مصطفی، اژه ای، محصولی و... از کابینه خارج میشوند همانگونه که مشاهده میشود جنگ اصلی جنگ بین نوکیسه گان و لیبرالها که خواهان آزادیهای نسبی و ایجاد شرایط مناسب برای کسب کار خود ضمن حفظ ظاهری دلگشا از یکطرف با تمامیت خواهان و غارتگران خشن که نمی خواهند شریکی برای خود داشته باشند در جریان است. در ورای این حناحین مردم محروم و ستم کشیده ایران که کمرش زبر بار فقر و محرومیت و بیماری اعتیاد و... و نبود ابتدائی ترین آزادیها خم شده خواهان اقدامات رادیکال و تغییرات ریشه ای در کشور هستند. تضاد اصلی رهبران جنبش کنونی با مردم نیز در همین جاست. اینک این سؤال مطرح است که جنبش سبز چه می خواهد. و چگونه می خواهد

طیف گسترده ناراضیان را زیر چتر خود متحد سازد و به چه شیوه ای می خواهد آنها را رهبری کند این موضوع بسیار جدی است که در ماهای آینده موجب تنش و چالش هایی جدی در داخل جنبش خواهد شد. از همین رو اصرار، سازمانهای سیاسی شخصیت های ملی می بایست با مسولیت خطیری که در این لحظات حساس دارند برای جلوگیری از روحیه یاس و نا امیددی و تقویت روحیه مبارزه طلبی و هدایت جنبش در جهت احقاق حقوق مردم اقدامات اساسی را بجا آورند و به امر سازماندهی، بسیج و برنامه زیری و هدفمند کردن مبارزه اقدام کنند و با وحدت و تشریک مساعی جنبش را به سر مقصد نهایی یعنی برقرار عدالت اجتماعی و دموکراسی برسانند در غیر ایصورت....

علی ۶ نوامبر سال

طالبان پاکستان و طالبان افغانی

پاکستان از اعمار آمریکا در منطقه حساس خاورمیانه است که پیوسته در اجرای سیاستهای منطقه ایی آمریکا بسیار فعال بوده است. سازمان امنیت این کشور سی آی اس یکی از مخوف ترین سازمانهای اطلاعاتی و امنیتی در این منطقه بعبارت دیگر دولتی در داخل دولت پاکستان است!

این سازمان ارتباطات و همکاریهای نزدیکی با سازمان سیا داشته و دارد. س آی اس همچنین سازمان دهنده، کودتاهای نظامی و سرکوب شخصیت های ملی و مستقل و وطن پرور در پاکستان است. ضیاالحق، مشرف نیز به کمک همین سازمان زمام امور کشور پاکستان را در اختیار گرفتند! پس از پیروزی انقلاب ثور در افغانستان در سال ۱۹۷۹ این سازمان و اساساً دولت پاکستان به رهبری ضیاالحق نقش بسیار مخرب و ویرانگری را در افغانستان بازی کردند و با آموزش مجاهدین افغانی که با پول عربستان سعودی و همکاری نزدیک آمریکا صورت میگرفت، زندگی مردم افغانستان را بخاک و خون کشیدند، خانه ها، کاشانه ها، بیمارستانها، مرکز آموزشی، کانونهای فرهنگی موسسات مر اسلامی و اقتصادی ویران و به آتش کشیده میشد تا دولت مردمی افغانستان نتواند به تحکیم پایگاههای خود پردازد و یک افغانستان مستقل و آرام بوجود بیاید.

پاکستان پیوسته نسبت به افغانستان ادعای ارضی داشته و حتی در پی این بوده که بنوعی کشور افغانستان را ضمیمه خود سازد و یا آنچنان یخود وابسته نماید که بدون پاکستان قادر به ادامه حیات نباشد.

پس از حادثه ۱۱ سپتامبر و حمله هواپیماهای مسافری به بر جهانی دوقلو در مانهاتان، ایالت محنده آمریکا به رهبری نئوکسرواتها و شخص بوش و معاونش دیگ چینی به بهانه این رویداد با تدوین دکترین جدید یعنی مبارزه با تروریزم عملا کلید یک جنگ بزرگ ابعاد و طولاتی مدت را در منطقه حساس خلیج فارس و دریای عمان و... زدند. عراق و افغانستان اشغال نظامی شد و اسرائیل با حملات خود به لبنان و غزه جبهه های این جنگ استراتژیکی را وسعت بخشید. اینک عراق، افغانستان،

پاکستان، هندوستان، ایران و... با موجی از ترور و خودکشیهای انتحاری مواجه شده است. توپها، تانگها، هواپیماها می‌غرند و بمب و آتش بر سر مردم این مناطق فرود می‌آید. ناتو این قوی‌ترین و مجهزترین ارتش کره زمین با تمام توان با طالبان در افغانستان درگیر شده است.

دولت پاکستان که در ماههای اخیر بیک جهنم واقعی مبدل شده در بر خورد با طالبان سیاست یک بام و دو هوارا دنبال میکند بدین معنی که با طالبان افغانستان کاری ندارد و دست طالبان افغانستان را که در مناطق مرزی پاکستان مستقر و به آموزش افراد خود می‌پردازد باز گذاشته تا با کشت و کشتار و بهم زدن اوضاع افغانستان سیاستهای برون مرزی پاکستان را بمورد اجرا در آورد. در عوض می‌کوشد با سرکوب طالبان پاکستان آرامش را در این کشور حاکم سازد. ارتش پاکستان در حمله به دره سوات تعداد زیادی از طالبان پاکستان را کشت و نزدیک به دو میلیون نفر را آواره کرد. اینک این ارتش به وزیرستان حمله کرده و جنگ سختی بین ارتشیان و طالبان پاکستان در جریان است. طالبان نیز اقدام به عملیاتی کرده که تصور آن برای بسیاری دشوار بوده که می‌توان حمله به پایگاه نظامی و ستاد ارتش پاکستان را نام برد که طالبان با اونیفرم نظامی وارد. این محل شده و اتفاقاتی روی داد که همه از آن خبر دارند. دامنه انفجارها و آتش سوزیهای ناشی از اقدامات انتحاری دهلی، پیشاور، کشمیر، قندهار، کابل، هرات کوتیه - تکریت - بصره بغداد مرصل بلوچستان ایران و... بکام خود فروبرده هر روز دهها و صدها انسان تکه تکه شده و کوشتهای بدن آنها به در و پخبره و سنگ و بوتون ساختمانها و جاده می‌چسبند. این گوشه ای از نمایش با «شکوه» آوردن دموکراسی غربی آمریکایی به کشورهای عقب مانده است. اگر اوضاع تشنج و خطرناک فلسطین لبنان، سودان، سومالی، یمن و... که حلقه‌هایی از رنجیر این سیاست است نیز مد نظر قرار گیرد آنوقت روشن میشود که سرمایه داری جهانی و حافظان منافع آنان چه خوابهای خوشی را برای جهان دیده اند.

در اینجا ممکن است این سؤال پیش آید که چرا غرب و آمریکا با صرف روزانه میلیاردها دلار تن به چنین کاری داده است؟ و چرا در تله ایی مثل افغانستان گیر کرده است؟ پاسخ این است که سرمایه داری جهانی که اینک با بحران ساختاری عظیمی روبرو شده که علت اصلی آن در سرشت و ماهیت این نظام نهفته است بنابه ماهیت و سیمای خود ناچاراً گرفتار این وضعیت گردیده است آمریکا با استفاده از کارت اسلام سیاسی عملاً آغازگر یک بازی بسیار خطرناک در منطقه وسیعی از جهان گردید. خوب می‌گویند، انکسی که باد میکارد طوفان درو می‌کند اسلام سیاسی در مقابل کمونیزم و ملی‌گرایی در کشورهای اسلامی از مهار و کنترل آمریکا خارج شد و به آغوش ما در خود برگشت و به چنگ انداختن بر پیکر ما در پرداخت. آنوقت که سازمان سیا در غارهای تورا بورا تحیزات نظامی را میکرد و آموزشگاه القاده و رهبر آن حسامه بن لادن را افتتاح نمود تصور نمیکرد که این ربوت یک روز به پولت و کنترل دستی آمریکا گوش نخواهد داد و در یک جومتشنج و ملتهد نیروی عظیمی از نارضیان آزاد خواهند شد که قدرت تخریبی آنها از هزاران بمب اتمی بیشتر است. آمریکا هنوز هم دست از

تجارب تلخ خود بر نمیدارد. برای مثال شرکت امنیتی بلاک واتر که اقدامات این شرکت در عراق موجب رسوایی هایی زیادی شد، هم اینک در پاکستان به اقدامات مشابه دست میزند مردم پاکستان با اعتراضات وسیع خود خواهان بیرون رفتن کارکنان این شرکت امنیتی که در نا آرامیهای پاکستان دست دارند، هستند.

همه این فاکتها نشانگر این حقیقت است که سرمایه داری جهانی بهر اقدامی کی دست بزند گامی در جهت زوال خود بر میدارد علیرغم نبلیغات اخیر برخی کشورهای بزرگ سرمایه داری مانند آمریکا در رابطه با دور شدن امواج بحران عمیق ساختاری، بحران همه چنان عمیق تر خواهد شد و با بحران اخلاقی و فسادو تباهی اجتماعی همراه خواهد شد و نظام سرمایه داری در مقیاس جهانی رو به اضحلال خواهد گذاشت.

علی ۳۰ اکتبر سال ۲۰۰۹

نگاهی به «هدفمند ساختن یارانه ها»

این روزها، بحث پیرامون «هدفمند ساختن یارانه ها» به یک بحث محوری و گرهی مبدل شده است! دو نوع طرز تفکر و بر خورد با این مسئله وجود دارد. برخی ها این اقدام را که «قرعه شانس» اجرای آنرا بدوش احمدی نژاد انداخته را مورد نکوهش قرار داده و اعلام میدارند که در پی اجرای این طرح فقر و محرومیت دامنگر بخش زیادی از شهروندان شده و وضع فاجعه باری ببار خواهد آورد و بخش دیگر نیز براین نظر پا فشاری می کنند که با حذف یارانه ها و تقسیم آن در بین خانواده ها فقیر «عدالت اجتماعی» بر قرار خواهد شد. بدون تردید و با یقین می توان گفت که ماهیت دولت احمدی نژاد بر کسی پوشیده نبوده و نیست! و نه تنها در این مورد خاص که بلکه کلیه زمینه ها سیاست نا مردمی در جریان است. اما نباید فراموش کرد که این طرح یعنی «هدفمند ساختن یارانه ها» کشف و اختراع حاکمیت و دولت کنونی ایران نبوده و نیست!

نظام حاکم بر ایران علیرغم پسوند اسلامی اش زانده نظام سرمایه داری و بخش از آن است و چه بخواد و چه نخواهد باید از «پرنسیب» ها و «قانونمندیهای» این نظام حاکم بر جهان تبعیت کند، همچنان که میکند! پس از اینکه اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی با همه معایب و ناهنجاریهای ناشی از اجرای سیاست آزمون و خطا، عادلانه ترین سیستم اقتصادی موجود در جهان و در تاریخ بشر بود، از صحنه سیاسی و اقتصادی جهان کنار رفت (بنابهر عللی ذهنی یا عینی و یا...) و سیستم سرمایه داری جهانی بمتابسه سیستم «غالب» و «پیروزمند» حاکم شد (شکست سوسیالیزم در مقابل سرمایه داری، امر موقتی و یکنوع عقب نشینی تاریخی است، چرا که ادامه حیات سرمایه داری که توانسته است نظام

فئودالیزم را پس زده برای خود جو از حیات بگیرد حکایت از آن دارد که این نظام رو به زوال که مرتباً با بحرانا ادواری و این اواخر با یک بحران ساختاری روبروست جای خود را به یک نظام نوپای دیگری خواهد داد که ماهیت و خصلتش بر اساس استثمار و سود بیشتر و بیعدالتی بر قرار نباشد.) این تفکر را بمیان کشید که جنگ طبقاتی بسر رسیده و هیچ پیکار ایدئولوژیکی در جریان نیست و تضادهای عمده جهان را مسائل

اکولوژیکی و زیست محیطی مانند گرمایش زمین حقوق بشر و دموکراسی تشکیل میدهد که آنها با کمک آمریکا و دیگر کشورهای بزرگ سرمایه داری از دو طریق یعنی اطاعت از سیاست های جاری و یا لشکر کشی و اشغال قابل حل است. آمریکا که خود بزرگترین تولید کننده گازهای گل خانه ایی است هرگز نخواست و نمی خواهد در حل حداقل این مسئله کوتاه بیاید روی آوری برخی از دست اندرکاران این کشور به سوخت جایگزین هیدروکربن و استفاده از اتانول و سوخت با منشع گیاهی همه چیزی جز آوردن گرسنه گی و فقر فلاکت برای ساکنین برخی از کشورها مانند مکزیک و... بوده و هست! این کار هم شبیه خشک کردن شالیزارهای بنگلادش و تبدیل آنها به مردابهایی برای پرورش میگو مورد مصرف اروپائیان است که گرسنگی، را به مردم بنگلادش به ارمغان آورد.

جهان سرمایه داری و در رأس آن آمریکا بوسیله اهرمهای اقتصادی خود از قبیل بانک جهانی و صندوق بین المللی پول و اعمال نفوذ در سازمان تجارت جهانی برای کشورهای نظیر کشورهای ما نسخه ایی ها می پیچند که سرپیچی از آنها بسیار گران تمام میشود و اجرای آنها نیز جز بدبختی و فلاکت برای شهروندان ثمر دیگری در پی ندارد باید نگاهی به برخی از حوادث اخیر انداخت تا روشن شود این منادیان حقوق بشر با شهروندان خود چگونه رفتار میکنند تا با دیگران چگونه رفتار کنند. هنوز فراموش نشده که وقتی طوفان کاترینیا، نئورلئان در هم کوبید و شهروندان بیدفاع آمریکا به کام مرگ نیستی رانده شدند: دولت آمریکا چه عکس العملی از خود نشان داد. در تورات آمده «در مقابل چشمان پروردگار، زمین به تباهی هر چه بیشتر کشیده شد و خشونت افزونی گرفت خداوند ناظر تباهی گشت زیرا که تمامی اعمال آدمیان به روی زمین جز فساد و تباهی چیز دیگری نبود، او به نوح چنین گفت من تصمیم گرفته ام که تمامی انسانها را نابود کنم، زیرا که آنها این کره خاکی را از اعمال خشونت آمیز خود لبریز نموده اند...»

تورات سفر پیدایش باب ششم آیه (اتا ۱۳)

آمریکا این «سردمدار» آزادی و دموکراسی در جهان در بر خورد با قهر طبیعت در نئورالان قبل از اینکه بفکر مردم بدبخت و بی نپاه این شهر باشد در فکر منافع طبقاتی قدرت حاکم بود، به این فاکتها توجه شود آنوقت روشن می گردد صحبت بر سر چیست.

ریچارد بیکر نماینده این منطقه در کنگره و فردی صاحب نام در حزب جمهوریخواه که حاکمیت آمریکا را در دست داشتند می گوید «سرانجام توانستیم از شر این خانه های اجاره ای در نئورالان خلاص شویم کاری را که ما خود نتوانستیم انجام دهیم خدا ابرایمان انجام داد...» و یا «جوزف کانیزارو»

ثروتمند بساز بفروش گفته بود «موقعیت ایجاد شده در شهر بعد از سیل برای ما به مثابه برگ نا نوشته ایی است و ما می توانیم از نو شروع کنیم فرصت جدیدی برای قاپیدن و سود بیشتر...» خوش بختی روی بدبختی دیگران این است ظنیت و سرشت سرمایه داری. از اینها مهم تر نظر انستيو امریکن انتر پرایز است که گارگاه اندیشه سازی برای اندیشه پردزان سرمایه داری جهانی است. این موسسه اعلام میدارد «آنچه طوفان کاترینا در عرض یک شب توانست محقق سازد، اصلاح طلبان مشتاق علیرغم سالها تلاش خود نتوانسته بودند انجام دهند.» از این بهتر نمیشود اعلام موضع کرد.

میلتون فرید من یکی از بزرگترین استادان و طراحان حاکمیت سرمایه داری معاصر که بسیاری از رهبران کشورهای سرمایه داری و حتی سوسیالیستی سابق از آن جمله الیگارخهای روس و نوکیسه گان لهستان و... از شاگردان وی هستند در یکی از موعظه های ایدئولوژیکی خود که ناشی از ماهیت طبقاتی است می گوید «گاهها یک حادثه طبیعی و یا غیر طبیعی می تواند موجب تغییرات اساسی گردد چگونگی و سرعت عمل لازم است تا درک شود چه عقایدی در جامعه جریان دارد. خطیر ترین وظیفه ما (یعنی سرمایه داری) این است که گزینه های خود را بپاری و مساعدت سیاستهای جاری عبدی بسط و گسترش بدهیم که سیاست غیر ممکن، ممکن گردد و باید چنان رفتار کنیم که قربانیان در جامعه فلاکت زده نتوانند درک کنند که چه بلایی دارد به سرشان می آید و مبدل به خود کامه گانی شوند که هر کدام بکار خود مشغول شوند در این زمان است که باید شوک و تغییرات بازگشت ناپذیر بمورد اجرا در آید. پس از اجرای چنین تغییراتی مدت زمانی لازمست تا از گیجی بیرون آمده و چاره اندیشی شود در همین زمان باید شوک دیگری وارد آورد تا دست آوردهای قبلی را که از دست داده اند بیاد فراموشی بسپارند و با مسائل جدید دست و پنجه نرم کنند. در این رهگذر است که غیر ممکن ها، ممکن میشود...» این سیاست در داغون گردن اتحاد شوروی موبه مواجرا شد و شوک تراپی مردم شوروی را بخاک سیاه نشاند! یا رانه ها خدفا شد، سیستم دولتی از بین رفت و ایلگارخ ها یک شبه صاحب میلیاردها پول شدند در عوض به خانواده فقیر صدقه هایی پرداخت شد که بعد از چند ماه کاملاً قطع شد.

اگوستینو پینو شه دیکتاتور شیلی با همین متد پس از کودتا و سرکوبی آزادیخواهان که به کمک آمریکا و سازمان سیا صورت گرفت شو که تراپی متوسل شد و با وارد آوردن شوکهای پی در پی پایه های حکومتی خود را محکم کرد بد حوادثی که امروز در کشور ما ایران روی میدهد شباهت دارد. پینوشه با کمک فریدمن «اصلاحات اقتصادی» یعنی واگذاری معادن و ضایع دولتی به بخش خصوصی را آغاز کرد و با برقراری تجارت آزاد و خصوصی کردن خدمات عمومی بخشی دولتی و تقلیل بخش دولتی فاجعه ایی را در شیلی بوجود آورد که حتی امروز براحتی نمیشود به حل آن پرداخت. امروز فریدمن زنده نیست، اما مجریان دو آتسه مسلمان آنها در ایران به اجرای این تئوری اقدام می کنند.

چرا این فاکتها را در کنار هم قرار داده میشود برای اینکه به روشن شدن ماهیت اصلی طرح «هدفمند کردن پارانها» کمک شود جهان ما هیچوقت مثل امروز جهانی طبقاتی و متکی بر ایدئولوژی نبوده نظام سرمایه داری ماهیت و خصلت خود را تغییر نداده هنوز هم استثمار و سود بیشتر بیش از هر چیز مدنظر است، کشور ما ایران نیز یک کشور سرمایه داری است حاکمان بر آن نیز به تبعیت از سرشت و ماهیت نظام سرمایه داری چه بخواهند چه نخواهند باید در کنار بانک جهانی و صندوق بین المللی پول

قرار بگیرند مردم عدالت خواه و آزادی خواه ایران که طی قرن بیستم و سالهای نخستین قرن بیست یک به پیکار بی امان خود بر علیه استثمار و بی عدالتی ادامه میدهند خیلی خوب میدانند که با چه رژیمی در ستیز هستند از همین رو با اتحاد و هم اهنگی و با شناخت از اوضاع داخلی و بین المللی همچنان مبارزه خود را به پیش خواهند برد.

کارگران ایران در صف مقدم جبهه

امروز سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، با محکوم کردن صدور رای قطعی درباره کارگران صنایع نیشکر هفت تپه ضمن اعلام همبستگی طبقاتی با هم‌زمان خود، بدرستی اعلام داشتند که، «اگر بیکاری، حبس و... موجب از پا در افتادن کارگران شرکت واحد شد. باعث از پا افتادن کارگران نیشکر هفت تپه نیز خواهد شد...»

جنبش کارگری ایران با تکیه به تاریخ پر افتخار خود و همچنین رفقای خود در سراسر جهان پیوسته در صف مقدم جبهه برای آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بوده و هستند! این جنبش که تاریخی به فراخنای مبارزات آزادیخواهی و عدالت طلبی در ایران داشته و دارد، پیوسته در شرایط سخت و دشوار و سیاه و تاریک، با درک و شناخت عمیق از اوضاع جاری و با اتکاء به تجربه پر فراز و نشیب و خونین خود مبارزات شان را پیش برده و بمثابه طبقه نقش و رسالت تاریخی اش را ایفاء کرده است!

نقش کارگران شرکت نفت در پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ که با بستن شیرهای لوله های انتقال نفت شاه‌رگ حیاتی رژیم ستم شاهی را قطع کرد، بمثابه یک اقدام شجاعانه و بسیار پر ارزش در تاریخ مبارزات مردم کشور ما بر علیه ارتجاع و استبداد ثبت شده است!

باید گفت با کمال تأسف پس از روی کار آمدن روحانیون، بجای اینکه ارزش والای این ولی نعمت های واقعی کشور شناخته شود و در جهت بهبود شرایط کار و زندگی آنها اقدامات مقتضی و لازم بعمل آید، حمله و یورش به دست آوردهای پیشین طبقه کارگر ایران بمثابه سیاست روز حاکمیت در آمد و افرادی چون احمد توکلی وزیر کار و... با دست یازی به انواع ترفندها و تدوین قوانین کار ارتجاعی و اقداماتی از قبیل محروم ساختن کارگران، کارگاههای کمتر از ۱۰ نفر و... عملاً سیاست ضد کارگری و با ضرب و شتم، حبس و شکنجه و... بمورد اجرا در آوردند. اما علیرغم همه این بیعدالتی ها، طبقه کارگر ایران با تشکل و سازمان دهی و استفاده از هر فضای کوچک به دفاع از حقوق خود پرداخته و جنبش

مردمی ایران را غنا می بخشد! اعتراض کارگران در موسسات مختلف همچنان ادامه داشته و دارد، اعتراض کارگران لوله سازی در خوزستان و کارگران البرز از این نمونه هاست. بدون شک و ترویید در فردای تاریخ طبقه کارگر ایران در سایه مبارزه، همبستگی، دانش تشکل و سازماندهی به آنچه که شایسته سزاوار آنان هست خواهد رسید و این فردا در افق دیده میشود!

مشاهده چی ۲۲ اکتبر سال ۲۰۰۹

جنبش سبز و ۱۳ آبان

چند روز به ۱۳ آبان، روز تسخیر سفارت آمریکا، توسط «دانشجویان پیرو خط امام» باقی مانده، طبق مرسوم سالانه عده ای بسیار زیاد اهالی کشور با فرا خوان و سازماندهی حاکمیت برای بزرگداشت این روز به خیابانها ریخته و با دادن شعار مرگ بر آمریکا و... اقدام دانشجویان را مورد تائید قرار میداند، لاکن امسال این روز در حال و هوای دیگری بر گزار خواهد شد، جنبش سبز که در پی اعتراضات به نتایج انتخابات دهمین دوره

ریاست جمهوری خرداد ماه ۱۳۸۸ شکل گرفته نیز قصد دارد با حضور در این روز روایت جدیدی از این روز ارائه دهد! این جنبش که از صعب تئوریک و سازماندهی در رنج است، تاکنون برنامه مشخص که به روشنی اهداف این جنبش را نشان دهد، ارائه نداده! اهداف تحیتن یعنی پس دادن رای و تجدید انتخابات و... جامع عمل نخود نیوشیده در عوض دولت بر آمده از انتخابات، میکوشد با کمک قدرت و سازمانهای امنیتی و نیروی پلیس خود، اهرمها و ریچاقهای خود را بکار گرفته و بر اوضاع مسلط شود. اقداماتی مانند حراج اماکن و موسسات استراتژیکی دولت، ظاهراً به بخش خصوص (سپاه و...) قطع یارانه و... مذاکره و ما دولتهای خارجی و در یک سخن میکوشد به کار و زندگی خود ادامه دهد.

رهبران جنبش سبز که اساساً آقایان موسوی، کروبی خاتمی هستند بنابه ملاحظات عینی و ذهنی و توان و استعداد و وابستگی و دیدگاه و بیش طبقاتی و اجتماعی خود همچنان به سیاست قبلی خود ادامه میدهند، البته آقای کروبی شجاعت و حسارت بیشتری از خود بروز داده و بیش از دو نفر دیگر مورد تهدید و ارباب قرار گرفته است! اما با کلی بافیها و تکیه روی این مسئله که هر کسی یک ستاد است و اتکاء به رایانه و بهره مند شدن از براکات انقلاب ۱ نفر ماتیککی که گاهاً به اندازه یک بازی کامپیوتری مشغول کننده است نمی توان جنبش اجتماعی را که زمان وظایف مهمی را بردوش آن نهاده به پیش برد.

سازمانها و شخصیت ها که ادعای رهبری دارند نمی توانند بجای بر قراری ارتباطات زنده با توده ها و تولید فکر و اندیشه برای سازماندهی و بسیج توده ها بی شکل و بشدت ناراضی که بقول یکی از اصلاح طلبان «حالت ژله دارد و هنوز پیکر نشده و دارای عضله . استخوان نیست...» را بمیدان مبارزه کشید و با اتخاذ تاکتیک های درست در جهت استراتژی و هدف نهایی جنبش پیش برد! استفاده از امیل،

مساژ، فیس بوک و تویتر و... بسیار خوب است اما همه این ابزارها که در قرن کنونی به عوا ملی برای به راه انداختن جنبش های اعتراضی شده، زمانی به ثمر خواهد رسید که ارتباطات ارگانیک و زنده ای بین رهبران و توده ها بر قرار گردد، اگر در نظر گرفته شود که کنترل و استفاده بهینه از این وسایل سحرانگیز و معجزه گر در دست کسانی است که امکانات بیشتری در این رابطه دارند و برنامه های لازم را در این رابطه تدوین و تنظیم می کنند، آنوقت روشن میشود که علیرغم کار سازی و آسان کردن کارها چه دشواریهایی در این رابطه وجود دارد. یک ضرب المثل بسیار حکیمانه ای وجود دارد که می گوید، «هر کسی پول به ارکستر میدهد آهنگ و موسیقی دلخواه خود را نیز به اوسفارش میکند.» چرا این مسئله پیش کشیده میشود برای اینکه جدا از رهبران شناخته شده با جنبش نیز که فراخوان شرکت در مراسم ۱۳ آبان را داده اند. سایت ها، و بلاک نویس ها، کانالهای تله و زیونی خود ویژه که بعضاً نه دوست مردم ایران هستند و نه و دلسوز جنبش هم فراخوان داده و شعارهای خود را جا میدهند و به القا سازی افکار و اندیشه های خود که بر اساس منافع خاصی استوار است می پردازند. محسن ساز گارا که بکمک نوری زاده و چالنگی یک مثلث «رهبری» تشکیل داده اند در این رهگذر بسیار فعال هستند سازکار می گوید «یکی از سیاست مردان آمریکا به من گفت ما در روز قدس سیاست خاورمیانه ایی جنبش سبز را شیندم اینک منتظرشیندن سیاست بین المللی، آمریکایی جنبش سبز هستیم...» بدون شک مردم مهربان و با فرهنگ ایران با مردم هیچ کشوری از آن جمله آمریکا و... هیچ دشمنی نداشته و ندارد. بلکه اقدامات حاکمیت آمریکا و انگلستان و... است که با دست یازی به اعمالی چون کوتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲

و.. موجب خشم و نفرت مردم ایران گردیده اند که بعضاً آقای اوباما رئیس جمهور فعلی آمریکا نیز به آنها اذعان دارد.

وقتی سازمانهایی چون «امریکی انتر پرایز» طرح حمله به ایران و.. میکشید و سیاستهای موسساتی از این دست از دهان افرادی چون نوری زاه، سازگارا و.. بمثابه رهنمود به جنبش سبز داده میشود آنوقت است که دم خروس نمایان میشود.

مردم ایران با حاکمیتی مبارزه میکنید که ثروتهای ملی مملکت را به تا راج میدهند و برای حفظ قدرت و بقای خود از هر اقدامی فرو گذار نمی کند آن جوانی که روی سنگ فرش و اسفالت خیابانهای تهران و شهرهای دیگر ایران در خون خود غلطان میشود بخاطر منافع بوشها، دیگ چینی ها پوتین ها، سارکوزیها و مرکل ها، بروان ها و... کشته نمیشوند، هر ایرانی که جان خود یعنی گرابنها ترین متاعی که یک انسان دارد را در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی کشورش فدا میکند بمثابه شهیدان راه آزادی و عدالت در تاریخ مبارزاتی ایران ثبت میشود. نباید اجازه داد، امر یکن انترپرایزیها و صدای آمریکا از این جانهای پاک بمثابه ابزار کسب و کار سیاسی کانالهای تله و زیونی خود مانند بی بی سی و صدای آمریکا سوء استفاده کنند.

علی ۲۲ اکتبر سال ۲۰۰۹

انرژی اتمی در مناسبات ایران و غرب

چند سال است روابط ایران و کشورهای غرب بویژه آمریکا تیره تر شده. علت این تیره گی غنی سازی اورانیوم در ایران است. ایران مدعی است که استفاده از انرژی اتم حق قانونی او است. زیرا این امر بر مبنای حقوق بین المللی انجام میگردد. هدف استفاده از انرژی اتمی صلح آمیز است. کشورهای غرب از جمله آمریکا این بیانات ایران را قبول نمی کنند. آنها ادعا می کنند که ایران با غنی سازی اورانیوم قصد دارد. بمب اتمی به سازد. بدین سبب سالها است کشمکش دیپلماتیک ادامه دارد. و شورای امنیت در این مورد چند قطینامه تصویب نموده است و از ایران خواسته است. غنی سازی اورانیوم را متوقف کند. ایران این قطینامه ها را رد کرده است. بنابراین شورای امنیت تصمیم گرفت. ایران به علت عدم اطاعت از قطینامه های شورای امنیت مورد تحریم اقتصادی قرار گیرد.

باراک اوباما رئیس جمهور جدید درباره ایران لحن خود را ملایم کرده است. بنابه اظهارات اوباما آمریکا با ایران حاضر است مستقیماً وارد مذاکره شود. این مذاکره توسط نماینده آمریکا با ایران در اروپا انجام گرفت. این ملاقات در چارچوب دیداره نماینده ایران با نمایندگان پنج کشور + یک انجام گرفت.

احمدی نژاد بعد از انتخاب شدن مجدد به ریاست جمهوری لحن ایران نیز ملایم شده است. طرف ایران میگوید. ما حاضریم اورانیوم را به خارج به فرستیم و در آنجا غنی سازی شود و برای تأمین سوخت ایستگاه اتمی استفاده شود.

بدین ترتیب ایران برای رسیدن به توافق با غرب گام اول را بر می دارد. غرب هنوز درباره این پیشنهاد اظهار نظر نه نموده است. آمریکا و کشورهای اروپای غربی از ایران میخواهند در تمام مؤسسات اتمی خود را روی نمایندگان ماگاته باز کند.

بویژه کارخانه نو ساخته قم را نیز در ردیف کارخانه های باز رسی شده باشد. نمایندگان ماگاته به ایران آمدن مأموریت خود را بدون مانع انجام دادند. جریان کار نشان می دهد که ایران آماده هم کاری با ماگاته است. اگر غرب لحن خود را عوض کند و فشار بر ایران را کنار بگذارد. مشکل برای رسیدن به توافق پیش نه خواهد آمد. اگر ایران روی نظر خود یعنی صلح آمیز بودن استفاده از نیروی اتمی صادق باشد و آنرا در عمل به اثبات به رساند. تیره گی میان ایران غرب از بین خواهد رفت. ابر از بالای روابط تیره ای ایران و غرب کنار خواهد رفت و راه برای از میان بردن بی عتمادی و تخفیف تشنج در منطقه خاور میانه باز خواهد شد.

سعید جاریان به ۵ سال زندان تعلیقی محکوم شد.

سعید جاریان به اتهام شرکت در اغتشاش علیه نظام دستگیر شد او نیز مانند دیگر فعالین سیاسی تحت پیگرد قرار گرفت، محاکمه شد و به ۵ سال حبس تعلیقی محکوم گردید.

جاریان مانند هزاران جوان پرشور در سرنگونی رژیم سلطنتی سهمی داشت. پس از برقراری جمهوری اسلامی در تحکیم پایه های آن شرکت نمود. در سالهای حکومت اصلاح طلبان حزب مشارکت اسلامی تشکیل گردید. جاریان یکی از مؤسسين و نظریه پرداز آن گردید.

جاریان مانند دیگر اصلاح طلب خواهان ترقی و تعالی ایران است. ایرانی که در آن حقوق شهروندان پامال نشود. برابری در مقابل قانون نه در حرف بلکه در عمل رعایت شود. تبعیض جنسی (زن و مرد) از میان بر داشته شود. آزادی بیان، آزادی قلم، آزادی تجمع، آزادی احزاب تأمین گردد، بالاخره آزادی عقاید محترم شمرده شود. این خواست بحق چند قرن است در کشورهای راقیه (دموکراتیک) به مرحله اجرا در آمده و به تحکیم پایه های نظامی سیاسی کمک نموده است.

مردم ایران در عهدعتیق زندگی نمی کنند، او نیز انسان عهد جدید است دارای تمدن با ستانی و عصر جدید است. او دور بر خود نگاه می کند و می بیند که مردم برای تصمیم گیری درباره سرنوشت خود آزاد است. در

بشینجی دوره (دوره پنجم) ۶۲ - نجی نمره (شماره ۶۲) ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان آبان ۱۳۸۸ ص ۲۳

بیان عقیده واهمه ندارد حق دارد در احزاب چپ و راست دلخواه خود عضویت داشته باشد. بدین طریق شهروند تام الحقون و فعال جامعه باشد.

اما همه اینها برای ایرانیان به خواب شیرین و آرزوی دست نیافتنی شباهت دارد. روشنفکرانی هم چون سعید جاریان با همین آرزو در انقلاب ضد سلطنتی شرکت کردند و در پیروزی آن سهمی شدند و بتدریج در یافتند که خواستهای آنان بر آورده نمی شود. آرزوها به پوچ مبدل میشود. لذا نومیدی و یأس گر بیان گیر آنها شد. اما او نیز مانند دیگران بعد از دستگیری قدرت مقاومت را از دست داد. تسلیم شد، «حکم» انحلال حزبی که عضو رهبری آن و یکی از نظریه پردازان آن بوده است صادر کرده و بطور کلی با عالم سیاست خداحافظی می کند و بالاخره مورد ترحم قرار میگیرد و با ۵ سال حبس تعلیقی از زندان آزاد می شود. نباید فراموش کرد که جاریان از ناحیه گردن مورد اصابت گلوله تروریست تعلیم دیده قرار گرفت بعد از آن صحت خود را از دست داد مجبور شد با صندلی چرخ دار حرکت کند و با همان صندلی راهی زندان شود و با همین صندلی از زندان به

خانه بر گردد. اینست سرنوشت صدها بلکه هزاران
حجاریان که در آتش جور و ستم می سوزند و خاکستر
میشوند.

جامعه مصرفی

تولید برای مصرف بی حد و حصر یکی از عمده ترین
خصوصیات سرمایه داری در جهان کنونی است سرمایه در
کل ثروت ملی است و این ثروت نباید در دست گروههای
محدود تمرکز یابد و بشکل الیگارشلی مالی و صنعتی قدرت
حکومتی را تحت تأثیر خود در آورد. از تقسیم عادلانه ثروت
جلوگیری نماید.

در جامعه مصرفی تولید کالا برای عرضه در بازار
آزاد است. یعنی مالکیت خصوصی برا بزار در دست
گروههای انحصار گر قرار میگیرد و آنها هستند که
سرنوشت انسانها را ورق می زنند تا به سود حد اکثر دست
یابند و می یابند. در چنین جامعه است که قطب بندی فقر و
ثروت بوجود می آید اقلیت را ثروتمندان اکثریت را فقرا
تشکیل میدهند. در چنین قطب بندی است که جامعه از رشد
هارمونیک باز می ماند، در آمد ملی بجای باز کردن وسیع
محل کار و جلب شهروندان به اشتغال در تولید بیشتر در
رشته خدمات جذب میشوند و یا به اردوگاه بیکاران می
پیوندند. این وضع ناهنجار را در عالم تخیل کنار بگذاریم،
ثروت ملی را به تولید اجناس لوکس، اوتوموبیلهای لوکس،
لباس لوکس، هتل های لوکس، خانه های لوکس بطور
خلاصه به زندگی اشرافی زندگی که خود تولید نمی کند و از
دست رنج تولید کنندگان بهر مند میشوند صرف نظر کنیم چطور
جامعه در جلوی چشم ما مجسم خواهد شد.

در چنین جامعه همه کار می کند، هیچ فرد و گروهی به
حساب دسترنج دیگر شهروند زندگی نمی کند، همه بدون
استثنا کار می کند و زندگی خود را تأمین می نماید در چنین
جامعه ثروت مال ملت است صاحب واقعی آن. همه آحاد

۲۱ آذر

قوربان

تبریز، چوخ یازمیشام در دیندن سنین،
ینه ده بیر سوز ده سوزونه قوربان.
گلیر خاطریمه ۴۶ - جی ایل
او واحتی او گولر اوزونه قوربان،
شیرینلی، آجیلی سوزونه قوربان،
آزادلیق آختاران گوزونه قوربان

گونشه دونموشدودومانلی اوزون،
دونیانلی گزیردی صحبتین، سوزون،
سانکی بز نمیشدی داغلارین دوزون،
لاله لی، چمتلی دوزونه قوربان!
شیرینلی، آجیلی سوزونه قوربان!
آزادلیق آختاران گوزونه قوربان!

حانی او آلیشان لاله یاناغین؟
حانی او نغمه لی گولر دوداغین؟
حانی او زمانکی اودون، اوجاغین؟
آلیشان اودونا، گوزونه قوربان!
آجیلی، شیرینلی سوزونه قوربان!
آزادلیق آختاران گوزونه قوربان!

گل، چیچک بییسه ده دردی یاخاندا،
آچیلیمیر اوره بیم سنه باخاندا،
باشینین اوستونده شیمشک چاخاندا،
یره ایلمه ین دیزینه قوربان!
آجیلی، شیرینلی سوزونه قوربان!
آزادلیق آختاران گوزونه قوربان!

چیرپینان اوره بین اوره یم اولسون،
بو قوجا چاغیمدا کومیم اولسون،
ایپک یوخ، بزیندن کوینه بیم اولسون،
سنین ایبه بینه بزینه قوربان!
آجیلی، شیرینلی سوزونه قوربان!
آزادلیق آختاران گوزونه قوربان!

عارف صفا ۲۰۰۹

ملت است. این ثروت بشکل تقسیم میشود که همه مردم از آن در برابر کار خود بهرمنند میشود. در چنین جامعه نیاز ضروری تک- تک عضو جامعه تأمین میشود همه در مقابل کار دست مزد در یافت می کند و با همین در آمد لباس، غذا و مسکن بدست می آورد. بدین شکل هر شهروند در تقسیم ثروت بشکل مستقیم شرکت می کند. این اولین شرط فعالیت مشترک اعضای جامعه را تشکیل می دهد. دومین شرط شرکت هر شهروند در تقسیم غیر مستقیم ثروت یعنی تحصیل مجانی بهداشت مجانی، کودکان مجانی. حقوق باز نشستگی برای سالمندان و معلولین است که قسمت اعظم ثروت ملی را در بر میگیرد. در چنین جمعیتی زندگی اشرافی برای قشر و یا اقشار خواص معنی و مفهوم خود را از دست می دهد. خودروهایی بی حد و حصر کوچه و خیابان ها را پر نمی کند. بدین وسیله فضای شهرها مسموم نمی شود. انتقال افراد به محل کارخانه توسط وسائط نقلیه عمومی انجام میگیرد.

در چنین جامعه نه از بحران خبری و نه از بحران زائی سراغی است. سرمایه داری هر از گاهی چهره واقعی خود را یعنی در بحرانهای مالی و اقتصادی ادواری نشان میدهد. نشان میدهد که جامعه رفاه در چارچوب سرمایه داری ممکن نیست زیرا ثروت ملی در انحصار قشر و طبقه خواص قرار دارد بدین سبب بقیه مردم نمی توانند نیازهای ضروری خود را تأمین نمایند. این وضع قابل دوام نیست. برای تقسیم ماهوی جامعه دو راه وجود دارد. 1- راه انقلابی (قهر آمیز) ۲ راه تکامل یعنی بدون اعمال قهر. قرن ۱۸-۲۰ قرن انقلابها بود، قرن ۲۱ قرن تکامل است بنابر این تغییر ماهوی در جوامع سرمایه داری راه طول و درازی دارد.

**ایوب نمینین امداد اوجاگی آدلی
خاطره - پوئستینی اوخودوقدان
سونرا**

بیر باندان بوشالدی، بیر یاندان دولدو
دنیا یاشادان انسانلار اولدو .
حقیقت عاشیقی اولان کسلرین ،
مسکنی قارانلیق زندانلار اولدو.

دوزوب مین عذابا، مین ازیته ،
دشمنین نونونده شاخ دایاندیلار .
نولومله گلرک هر گون اوز- اوزه ،
قوشدولار نورلو ابدیته.

خیال عالہ مینین بورولغانیندا،
بویلاندم کدرله ، کچمیشه ساری.
سونمیب اطرافا، ایشیق ساچیردی.
کوزرن اوجاغین قیغیلملاری.

آزادلیق مجاهدی، شاعر و قارمون چالان

۱۲-۱۳ یاشلاریم اولاندا تز- تز رادیودان
ایشیدیردیم: «قارموندا چالیر ایسفنندیار جوشقون».
اونون ایفا انتدییی او یون هوالاری، «هومایون»
درآمدی و «هومایون» موغامی روحوندا حاکم
کسیلیردی. قارمونون سسی منی اوسونلا ییردی. او
زمان منیم آغلیما بنله گل میردی که، گلکه جکده من ده
قارمون ایفاچیسی اولاجام.

چونکی منیم ۱۴ یاشیم اولاندا، ۱۴ دیللی،
دیاتونیک (یاریم تونسوز) غیر ی پشه کار قارمونلا
چالغی اویرنمه یه باشلامیشام. یاشیمین اثرکن

بشینجی دورہ (دوره پنجم) ۶۲ - نچی نمره (شماره ۶۲) ناشر افکار فرقه دموکرات آذربایجان آبان ۱۳۸۸ ص ۲۶

چاغلاریندا رادیو داغلااریندا منتظم اولراق تیوب
دمیروفون (۱۹۰۸ - ۱۹۷۰)، محمدآقا آقاییون
(۱۹۱۹ - ۱۹۸۲)، قیزخانم داداشووانین (۱۹۲۵ -
۱۹۶۷)، عباس عباسون (۱۹۲۴ - ۱۹۹۷) و
باشقالارینین قارموندا چالدیقلاری رقس هوالارینی و
موغاملاری چوخ ائشیتیمیشم. اوستاد احد علیون
«سیگاہی» نی ایسه قرامافون والی واسطه سیله دینله
بیردیم.

سنوگینین آتشی سونمه سین گرک.
دوغما ائل یولوندا جانیندان کچیپ،
وئردیی و عدیندن دونمه سین گرک.

دئمہ یین سوزومون کسری یوخدور،
حله دئیله سی سوزلریم چوخدور.
دشمنه بیر آن دا آمان وئرمه یین،
اوریه سانجیلان نیزه دیر، اوخدور.

فرحناز شیبانی

بو گون بیر موسیقی چی کیمی دئیہ بیله رم که، آدینی چکدیم قارمون ایفاچیلاری احد مکتبینی دوام
چیلاری اولوبلار. بو «ملی آذربایجان قارمون مکتبی» دیر. بورادا خلقا حددن آرتیق یاخینلیق، دوغمالیق،
محبت وار دیر. خلق روحوندان، خلق موسیقیسی چشمه سیندن آخیب گلن ملی شرقی، ملی اوسلوب، ملی
چالارلار وار بو ایفاچیلیق قایدالاریندا. بو دندیک لریمیز ایسفنندیار جوشقونون دا ایفالارینین اساس
مزیتلریندن ایدی.

الته، اوستالیق و گنجلیک ایللرینده قارمون حاقیندا هیچ بیر معلوماتیم یوخ ایدی.

صنعت کارلارین لنت یازیلاریندان اویرنه – اویرنه موسیقیه قدم قویدوم. ۱۹۷۰- جی ایللرین اوللرینده گونون بیرینجی یاریسیندا، معین ساعت لرده موسیقیچیلرین فلارمونییانین باغینا توپلاشدیقی آنلاردا من ده اورالارا قدم قویماغا باشلادیم. «باکی سووه تی» مترو- ستانسییاسی طرفدن باغین گیره جیینده که، ۲- ۳ سکامیادا آذربایجانین ان مشهور خاننده لری و موسیقیچیلری ایلشردیلر و شیرین – شیرین صحبت اندردیلر. اسفندیار جوشقون دا اونلارین آراسیندا اولاردی. او، اکثر حاللاردا هامیدان گنج گلر و تز ده گئدردی. بیز گنج موسیقی چیلر مشهور صنعت کارلار طرفه مارق و حصرته باخاردیق.

من صنعت آداملاریمیزی تانینماق اوچون یاشلی موسیقی چیلردن سوروشوب معلومات آلیردیم. ایسفندیار جوشقون سوویه لی، اخلاقی و مدنی شخص ایدی. نُوز خصلتینه او یغون صنعت کارلارلا اوتوروب دوروردو. او، تارزن لردن احسن داداشوو (۱۹۲۴- ۱۹۷۶)، بابا سلاحف (۱۹۲۳- ۱۹۸۱)، حاجی محمطف (۱۹۲۰- ۱۹۸۱)، کلارنت ایفاچیلاردان یاشار حسنوف (۱۹۳۷- ۲۰۰۰)، اتلخان صمدزاده، خاننده لردن ابولفت علی یوو (۱۹۲۶- ۱۹۹۰)، نیاز محدیئف، نوروز فیض الله یفی (۱۹۳۲- ۲۰۰۸)، محمد سالمانوو (۱۹۳۰- ۲۰۰۵) و دیگرلریله تماسدا اولوردو. اونون آدی دورونون مشهور قارمون چالانلاری ایله سیرادا چکیلیدی.

ایسفندیار علی اوغلو برخو ۱۹۲۹- جو ایل (پاسپورتدا ۱۹۲۵- جی ایل) سنتیابر آیینین ۱۴- ده گنجه شهرینده ایران (گونئی آذربایجان) مهاجرلری عائله سینده آنادان اولموش، اوشلقلیق ایللرینی ایسه شمکیر شهرینه کوچمیشدیر. سوویه دیکلرینه گوره عائله سینین وضعیتی آغیر اولوب.

۱۹۳۰ جو ایللرین ایکینجی یاریسیندا سووه ت دولتین باشچیسو ای. و. ستالین خصوصی امریله، ترکلرین سایینی آزالتماق مقصدیله گونئی آذربایجان مهاجرلرینی ایرانا کوچورمیه باشلادیلار. اونلارین آراسیندا علی برخونون عائله سی ده وار ایدی.

۱۹۴۱- جی ایل ایونون ۲۲- ده آلمان – سووه ت محاربه سی باشلادی. قیزیل اوردونون حیسه لری سووه ت – ایران موقاویله سینین (۱۹۲۱- جی ایل) ۶- جی مادهه سینه اساساً ایرانا داخل اولدولار. ایراندا سیاسی محیط خیلی دییشدی و بیر سیرا سیاسی تشکیلاتلار فعالیتیه باشلادیلار.

ساف اوشاق قلبینده آزادلیق عشقی آلولانان، دوغما خلقینه سنوگی بسله یین ۱۲ یاشلی ایسفندیار برخو بو تشکیلاتلارین بیرینه کمک اندیر، اونون مقصدی و مرامینی بیلدیرن

کاغیزلاری تبریز شهرینین ان گورکملی برلرینده دیوارلارا یاپیشدیریدی. بو کیمی تاپشیریقلاری برینه ینتیررکن پولیس ایسفندیاری دفة لرله یاخالامیش و اداره یه آپارمیشدی. یاشینین آز اولماسینی نظره آلیب اونا ایشگنجه وئرمه میش، حبس اتمه میش، یالینز قولاغینی دارتماقلا کفایت لنیب بوراخمیشدیلار.

ایسفندیار ایسه داها دا متنلشیر، یاشی آرتیقجا خلقینین آزادلیق مبارزه سینه داها عزمه قوشولوردو.

۱۹۴۵ جی ایل دکابری ۱۲ - ده تبریزده آذربایجان ملی حکومتی اعلان ادیلدی. حکومتی قوروماق ایچون فدای دسته لری یارادیلماغا باشلادی. آزادلیق عاشیقی ایسفنندیار برخو دا الینه سیلاح آلاق فدایله قوشولدو. او، اورمییه ده گناھسیز قانلار آخیتیمیش سرھنگ (پالکونیک) زنگھنه نین، قارتچیلیک و قولدورلوق ادرك تبریز جاماتینی قورخویا سالان قارنییرتیق کازیمین توتولوب ملی حکومتیه تحویل وئريلمه سینده فعال اشتراک اتمیشدی.

ایسفنندیار حله کیچیک یاشلاریندا شمکیرده اولارکن قارمون چالماغا باشلامیشدی. کوچوب گندرکن آتاسی اونون قارمونونو دا اونوتمايیب نوزلریله تبریزه آپارمیشدی. بالاجا ایسفنندیار تبریزده نوز عائله عضولری، بیر ده محله اوشاقلارینی باشینا توپلایاراق اونلار ایچون قارمون چالیب سئویندیردی. اونو مشایعت اتمک ایچون تبریزده همیشه قوال چالان تاپیلاردی. بیر ریتم آلتی اولاراق قوال گونئی آذربایجاندا همیشه ایته دیلیب و قورونوب. ائله بو گونده وطنیمیزین آیریلماز بیر حصه صی اولان گونئی آذربایجانین بوتون سرحدلرینده و کندلرینده، اکثر عائله لرده قوال وار و شنلیکلرده استفاده اولونور. (۱).

ایسفنندیار برخو یتکینلیک دورونده انقلابی حرکاتین اونجوللریندن اولاندا دا، یورقون آنلاردا دا دوستلارینی باشینا توپلاییب اونلار ایچون قارمون چالیر، بو انسانلارین ملی روحونو، ملی موسیقی مدنیتیمیزه اولان سئوگیلرین یوکسلمه سینه واسطه چی اولوردو.

سید جعفر پیشه ورینین باشچیلیق اتدییی آذربایجان ملی حکومتینه سوادلی، باجاریقلی، پئشه کار حربی کادرلار لازیم ایدی. بیر قروپ گنج ۱۹۴۶ - جی ایلین ایبولوندا باکییا حربی مکتبه اوخوماغا گوندریلیدی. اونلارین آراسیندا ایسفنندیار برخو دا واردی. باکییا تحصیل آلماعا گوندریلن گنجلرین یاشی ۲۰ - دن آز اولمالی ایدی. ایسفنندیارین ایسه او زمان هله ۱۷ یاشی دا تمام اولمامیشدی. اونا گوره ده او، نوز یاشینی آرتیریب ۲۰ اتمیشدی.

باکیدا ظابتر مکتبینه اونلار ایچون هر جور شرایط یارادیب، هر جور ارزاق نوعلریله تأمین اتمیشدیلر. حتی بنله ارزاقی باکیلیلارین نوزلری گوندرمیشدی. گونئی دن گلن موادویملرده بنله فکر یارادیلیدی. که، شورا آذربایجانینن آغیر محاربه ایللریندن تزه چیخماسینا باخمايیلاق بورا «جنت دیر»، هامی یاخشی دولانیر، یاغ - بال ایچریسینه یاشاییر.

ایرانین دولت رهبرلرینن خیانتلری دانیشیقلاری نتیجه سینده آذربایجان ملی حکومتی ۱۹۴۶ - جی ایل دکابری ۲۱ - ده سقوط ائتدی. پیشه وری و اونون سیلاحداشلاری، ملی حکومتین نماینده لری آراز چایینی کنجه رک شورا آذربایجانینا مهاجرت اتدیلر. س. ج. پیشه وری ۱۹۴۷ جی ایلین اییون آییندا گنجه - یئولاخ یولوندا اوتوموبیل قزاسینا دوشدی. س. ج. پیشه وری هلاک اولدو.

ایسفنندیار برخو ظابتر حاضرانان مکتبه تحصیل آلیدیقلاری زمان و اوندان سونراکی دورلرده هیچ وقت سئویملی قارمونوندان آیری دوشمه میشدی. بو صنعتی ایشله دیر، نوز اوزرینده چالیشیردی.

اوستاد صنعتکارلار اولان طعيوب دميروو، محمدآقا آقاوي، عباس عباسوو، سطار حسينوو، سليانلي رضا شيخلارون قارمون ايفالاريني دينله ميشدى.

ايسفندييار برخو آذربايجان دموكرات فرقه سينين مدنيت مركزينده چاليشير، اورادا ياراديلميش «معشل» خ.ج.آ. انسامبليندا چاليردي. سونرالار داها فعال شكيلده باكينين موسيقي اجتماعيتينه قوشولان ايفندييار جوشقون بير قارمون چالان كيمي تانينماغا باشلاميشدى. جوشقون اونون شاعرليك تخلوسو ايدى. بو آدلا شعرلر يازيردي.

آذربايجان موسيقي اجتماعيتي تركيبينه فعال شكيلده قوشولاركن، آز زمان كسيبنده ايسفندييار جوشقون عقيده سينه، دوزلوبونه، سافليغينا گوره نوزونه بويوك نفوذ قازانميشدى. او، تائينان خاننده لرله، ياخشى دسته لرله كونسرتلره، تويلارا گديردي. چالديغي دا بينيليردي اونون توي فعاليتي اساساً ۲۰ عشرين ۵۰- جى، ۶۰- جى، ۷۰- جى ايللرينه تصادف ادير.

افسوس كه، او، راديوموزون فوندونا ۴- ۵ اويون هواسي و يالنيز ايكي موعام، «هومايون» و «سيگاه» يازديرير. اونون بويوك استعدادي، گنیش ياراديجيلىق قابليتي اولدوغو نئچه - نئچه اويون حواسي، موعام دراملري و رنگر بسته لييب. راديوموز ايچون چالديغي «هومايون» موعاميندا چالديغي درامد اي. جوشقونون نوز بسته سيدير.

آذربايجان فرقه سينين مدنيت مركزينده كي «معشل» انساملينين بديعي رهبري تارزن - پدقوق بابا سالاخو ايدى. او، عمرونون چوخ حصه صيني بو انساملين رهبرلينه حصر انديب.

اونونلا ايسفندييار جوشقونون ياراديجيلىق و دوستلوق علاقه لري بو مدنيت اوجايندان باشلاميشدى. بير وقت لر «معشل» انساملينا احسن داداشو دا رهبرليك اتميشدى.

بابا سالاخو ۱۹۶۲ - جى ايلده آذربايجان تلويزيياسى و راديو سو كمته سي نزدينده خ.ج.آ. انسامليلي ياراداركن ايسفندييار جوشقونو دا هئيت ين تركيبينه گلتميشدى. ايسفندييارين بسته له ديي رنگر بو انساملين رپرتواريندا نوزونه ير آلميشدى. بو انسامل رسمي اولاراق ۱۹۶۵- جى ايلده آذربايجان تنله راديو كمته سي صدرينين امريله تصديق الونموشدو. ب. سالاخو ن رهبرليك اتديي انساملين ايلك قارمونچالانلاري ايسفندييار جوشقون و تيبوب تيبوب اوغلو اولموشدور. ۱۹۶۸ - جى ايلده ايسه بو كولكتيوه آفتانديل اسرافيلو گلتميشدى.

ماهير قارمونچو اولاراق اي. جوشقون ۱۹۷۰- جى ايللرين سونونا قدر مختلف انسامليلارين تركيبينده كنسرتلرده، تياز محديبوو (خاننده)، يوسف حيدروف (تارزن)، ياشار حسنوف (كلارنت ايفاجچيسى)، شيرزاد حسنوف دان (ناغارا چالان) عبارت دسته ايله تويلاريميزدا فعاليت گوسترميشدير.

باكي مدني - معارف تخنيكومونون معلمى، گوركملى تارزن، اوزون ايللر «ترانه» گنج ليك انسامليلي نين رهبري اولموش يوسف حيدروون دنديك لريندن:

«بابا سالاخون رهبرلیک اتدی» «آراز» انسامبلیندان چیخدیقدان سونرا بیزیم آنسامبلا گلدی. ۱۹۶۰ – جی ایلترین سونرالاریندان ۱۹۷۰- جی ایلترین سونرالارینا قدر «ترانه» آنسامبلیندا او، چوخ جدی و ثمرلی فعالیت گوستردی. اونون بسته لدی موغام درامدری و رنگ لرین سایه چوخدور. بیز اونون «بایاتی شیراز» و «هومایون» درامدرینی آنسامبلین ایفاسیندا تئلویزییادا جانلی چیخیشلاریمیزدا چالیردیق. اونلاری رادیوموزون فوندو ایچون ده یازمیشیق. جوشقونون «راست رنگی» ده چوخ گوزلدر. اونو دا مشق ادیردیک. افسوس که، لنته یازا بیلمه میشیک.

ایسفنندییاری مدنی، ضیالی شخص، گوزل صنعت کار، اصل موغام بیلجیسی ایدی. خیلی مدت اونونلا توی شنلیکلرینده دا اولموشام.

ایسفنندییاری جوشقون ۱۰ اوشاق آتاسی ایدی. عائله نین بویوک اولماسینا باخمایاراق او، چتینلین ئوهدده سیندن گلیر و ئوولادلارینی یاخشی دولاندیریردی.

اونون اوغلو خییام بویوک استعداد ساحبی ایدی. ماهر زرب اوستاسی، اعلا قارمون چالان ایدی. ای. جوشقونون قارداشی محمد برخو دا قارمون ایفاچیسی اولاراق آنسامبللاردا چالیشیر، تویلاردا چالیردی. محمد برخو، خییام و ایسفنندییارین دیگر ئوولادلاری (تکجه کیچیک قیزدان باشقا) آلمانیدا یاشاییرلار. ایسفنندییاری جوشقون احسن داداشوف، خاننده ابولفت علییوف، کلارنت ایفاچیسی ائلخان صمدزاده و ناغارا چالان طاهر حسینوف دان عبارت توی آنسامبلینین ترکیبینه ده نئچه ایلر فعالیت گوسترمیشدی. بعضی حاللاردا بو هیئت ین ترکیبینه مشهور ناغارا چالان چینگز محدیوف ده اولوردو.

۱۹۸۷ جی ایلین اوللرینده بختیار طونجای، طوفیق اصلان، فواد آقابوو، انور یوسف بوروسیلو و محمد حاتمی «چنلیبل» علمی – ادبی بیرلین یارتدیلار. ایسفنندییاری جوشقون دا بو تشکیلاتلار. ایسفنندییاری جوشقون دا بو تشکیلاتا قوشولدو.

دفعه لرله او، «چنلیبل» ین توپلانتیلاریندا چیخیش اتمیش، ئوز شعرلرینی اوخوموشدو.

۱۹۸۸ جی ایله «چنلیبل» علمی – ادبی بیرلی خلق حرکتینین باشیندا دایاندی. بو تشکیلاتین رهبرلی ایله مایین ۱۶- دا، ۱۸- ده و اییونون ۹- دا کی نومایشلر و میتینگ لرده ایسفنندییاری جوشقونون خصوصی فعالیتی اولموشدو.

آذربایجان ملی آزادلیق حرکتی تاریخینه «میدان مبارزه سی» کیمی داخل اولموش، ۱۹۸۸- جی ایل نوایبر ۱۷- سیندن باشلایب دکابرین ۵- ده بیتمش، او چتین و آغیر شرفلی گونلرده ده ایسفنندییاری جوشقون خلقین ئون سیرالاریندا اولموش و سونا قدر تاب گنیرمیشدی. او، توکوله جک قانلارین قارشیسینی آماق ایچون روس عسگرلری و ظابترلری دانیشیق آپارانلاردان بیر ایدی.

روس عسگرلری میدانلاردا کیلارا هوجوم اندیب دینکلرله ووراندا ایسفنندییاری کیشی جاماتین

ایقارلاری آلتیندا قالیب ازیمیشدی.

ایسفنندیار جوشقون ۱۹۸۹- جو ایل مای آیینین ۲۱- ده نوز باغیندا « بیرلیک» جمعیتین تاسیس
بیغینجاغینی کچیر میشدی. بو تشکیلاتین ایپولون ۸- ده کچیردی نیمایش زمانی حبس اولونانلار آراسیندا
ای. جوشقون دا وار ایدی. او، یولداشلاری ایله اول نریمانوف رایون پولیس اداره سینین زیره میسینده،
سونرا باییل حبسخاناسیندا ساخلانمیش و بیر مدت دن سونرا ایسه
شووالان تجریدخاناسینا کوچورولموشدو. حبسخانادا اونون وضعیتینی آغیرلاشمیشدی. بنله لیکله او،
آوقوستون ۹- دا حبسدن بوراخیلمیشدی.

جوشقون اورکلی بیر انسان بوتون معنالی عمرونو خلقینین ملی موسیقی مدنیتینه و بو ملتین
آزادلیغینا صرف اتدی. چکدی مشققتلر، گوردویو ایشکنجه لر اونا عمرونو دوام ائتمه یه امکان
وئرمه دی. ای. جوشقون ۱۹۹۱- جی ایل آوقوستون ۲۳- ده حاقق دنیاسینا قووشدو. او،
آذربایجانین مستقلینی گورمه سده آرزولارینین بیر حصه صی حیاتا کچدی.

احسن رحمانلی

موسیقی شناس

Azərbaycan qəzeti
5- ci dövr 62 - ci nömrə. Noyabr 2009
Baş redaktor. Əmirəli Lahrudi
[www.adf – mk. Org](http://www.adf-mk.Org)

باش رداکتور: امیر علی لاهرودی
قزنت تحریریه هنیتی طرفیندن نشر اولونور
قزنتین آرتیریب، یاییمی آزاددیر
[E- mail info @ adf – mk Org](mailto:info@adf-mk.Org)